



استاندار آذربایجان شرقی مطرح کرد:

لزوم تسریع

در تکمیل شهرک جوانان تبریز

در صفحه ۲

یکشنبه ۱۲ مرداد ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم شماره ۳۳۷۲ قیمت ۵۰۰۰ تومان

۲ گزارش

طرح نو بررسی می کند:

ایران ۱۴۰۴؛

حماسه‌ای

در دل آتش و خیانت

طرح نو، سردبیر

در سال ۱۴۰۴ شمسی، ملت ایران با یکی از سنگین‌ترین و بی‌سابقه‌ترین یورش‌های نظامی و روانی تاریخ خود روبه‌رو شد؛ حمله‌ای هماهنگ‌شده از سوی محور صهیونیستی – غربی، با حمایت مستقیم ایالات متحده آمریکا، و پشتیبانی خائنه شماری از دولت‌های منطقه‌ای که طی سال‌ها با نقاب دیپلماسی، دندان زهرآلود دشمنی را پنهان کرده بودند.

این نبرد، تنها یک حمله نظامی نبود؛ بلکه تلاشی گسترده و چندلایه برای درهم‌شکستن ستون فقرات مقاومت ملت ایران، نابودسازی زیرساخت‌های حیاتی، و ایجاد فروپاشی در اراده ملی و تمامیت ارضی کشور بود. دشمنان ایران، با توهم برتری تکنولوژیک و همراهی برخی کشورهای مزدور منطقه، می‌پنداشتند که می‌توانند در مدت‌زمانی کوتاه، کشور را از درون فروپیاشند. اما آنچه رخ داد، خلاف تمام محاسبات اتاق‌های فکر آنان بود.

پایداری ملی و پاسخ قاطع نیروهای مسلح

در شرایطی که بیشتر همسایگان ایران، به جای ایفای نقش ثبات‌ساز، در قامت ابزارهای عملیاتی دشمن ظاهر شدند و پایگاه، آسمان و اطلاعات خود را در اختیار مهاجمان قرار دادند، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر آمادگی، اشراف اطلاعاتی و طراحی‌های پیش‌دستانه، نه تنها موفق

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

۲ سرمقاله

هزینه سازش،

بیشتر از هزینه مقاومت است

طرح نو؛ سیاست

گروه سیاسی: شهر تبریز در دو دوره‌ی تاریخی، مورد تجاوز قرار گرفته است. یکی در زمان قاجار و دیگری عصر صفویه. در زمان صفویه، شاه اسماعیل تسلیم دشمن نشد. هر چند شکست خورد، اما حاضر نشد هیچ پیمان ننگینی با دشمن ببندد. در این زمان تبریز ۳۰ سال تحت اشغال عثمانی باقی ماند اما عقیده شاه‌اسماعیل این بود که باید پیشرفت کنیم و دوباره تبریز را پس بگیریم نه اینکه به پای مذاکره برویم و مجبور به دادن امتیازات بزرگتر شویم. روحیه مقابله با بیگانه که برگرفته از یک روحیه دینی تشیع و شجاعت بود، مانع از تصمیمات نابخردانه در دوره صفوی شد.

اما در زمان قاجار وقتی روسیه به تبریز حمله کرد، حکومت قاجار قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای را با آن‌ها بست و مناطق بالای رود ارس را به دشمن داد. در زمان شاه اسماعیل و دولت صفویه، حکومت مقابل دشمن ایستاد و مقاومت کرد و در نتیجه آن مقاومت....

۲ گزارش

طرح نو بررسی می کند:

کشاورزی در آذربایجان؛

محصول تلخ

بحران آب و بی‌برنامگی

۸ گزارش شهری

در آمد نجومی

سلاطین ضایعات؛

۲۴ میلیارد تومان در ماه



طرح نو بررسی می کند:

جایگاه تبریز در فوتبال ایران

در صفحه ۳

چشم انداز صادراتی آذربایجان شرقی با عضویت ایران در اوراسیا

طرح نو؛ گروه گزارش

بخش نخست...

عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر افزایش صادرات کشور داشته باشد، از جمله در استان‌هایی مانند آذربایجان شرقی که ظرفیت‌های صنعتی، کشاورزی و تجاری بالایی دارند. موافقتنامه تجارت آزاد کشورمان با اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ۲۵ اردیبهشت ماه اجرایی شد و مطابق آن ۸۷ درصد کالاها مشمول حذف تعرفه شدند، به نظر می‌رسد این موافقتنامه از مهمترین موافقتنامه‌های تجاری ایران باشد که بیشترین اثرگذاری بر تجارت را می‌توان از آن انتظار داشت. اجرایی شدن موافقتنامه یاد شده این نوید را می‌دهد که با توجه به فراهم شدن زمینه همکاری متقابل و عزم و اراده مقام های کشورهای عضو اتحادیه و کشورمان و همچنین کمیسیون اقتصادی اوراسیا به عنوان نهاد مسئول آن اتحادیه، در آینده نزدیک می‌توان شاهد توسعه تجارت بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه باشیم.

بررسی‌های آماری وضعیت تجارت ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا بیانگر شروع بسیار امیدوارکننده و در حد انتظار موافقتنامه تجارت آزاد ایران و اوراسیا است. بر اساس آمار منتشر شده طی سه ماه ابتدای سال میزان صادرات ایران به اوراسیا رشد ۲۲ درصدی در ارزش صادرات را نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد و به رقم قابل ملاحظه ۵۳۲ میلیون دلار رسیده است.

سهند شهزادی، مدیر امور بین‌الملل اتاق تبریز در خصوص مهم‌ترین آثار عضویت ایران در اتحادیه اوراسیا بر صادرات کشورمان و به‌ویژه آذربایجان شرقی گفت: این عضویت با هدف تسهیل تجارت میان اعضا، تعرفه‌های گمرکی را کاهش می‌دهد یا حذف می‌کند.

وی ادامه داد: این کاهش تعرفه‌ها هزینه صادرات کالاهای ایرانی را پایین می‌آورد؛ رقابت‌پذیری محصولات ایران (مانند محصولات غذایی، صنعتی و پتروشیمی) را افزایش می‌دهد؛ صادرات آذربایجان شرقی به کشورهای عضو (روسیه، قزاقستان، ارمنستان، قرقیزستان و بلاروس) را تسهیل می‌کند. وی تسهیل حمل‌ونقل و ترانزیت را از دیگر تبعات این عضویت عنوان کرد و گفت: موقعیت جغرافیایی آذربایجان شرقی، به‌ویژه هم‌مرزی با ارمنستان، دسترسی مستقیم به بازار اوراسیا را ممکن می‌سازد ضمن اینکه ایجاد یا بهبود کریدورهای حمل‌ونقلی (مانند کریدور شمال-جنوب و راه‌آهن جلفا) باعث کاهش زمان و هزینه ترانزیت کالا خواهد شد.

شهزادی خاطرنشان کرد: عضویت در اتحادیه می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را برای ایجاد صنایع



صادرات‌محور در استان‌هایی مثل آذربایجان شرقی تقویت کند.

وی ایجاد شهرک‌های صنعتی مشترک یا توسعه مناطق آزاد مرزی (مثل منطقه آزاد ارس) را از نتایج احتمالی این روند عنوان کرد و گفت: روسیه و قزاقستان، بازارهای بزرگی برای کالاهایی نظیر فرآورده‌های غذایی (شیرینی، شکلات، لبنیات، خشکبار)، قطعات صنعتی و ماشین‌آلات سبک؛ محصولات پتروشیمی و شیمیایی هستند و آذربایجان شرقی در بسیاری از این حوزه‌ها ظرفیت تولید و صادرات دارد.

وی با بیان اینکه مرزهای فعال گمرک جلفا و منطقه آزاد ارس در آذربایجان شرقی می‌توانند به عنوان دروازه‌های اصلی صادرات به اوراسیا عمل کنند، گفت: توسعه زیرساخت‌های مرزی به افزایش حجم مبادلات کمک خواهد کرد.

عضویت ایران در اتحادیه اوراسیا، فرصتی راهبردی برای افزایش صادرات کل کشور و به‌ویژه استان‌هایی با ظرفیت بالا مانند آذربایجان شرقی فراهم می‌کند. اما بهره‌گیری از این فرصت نیازمند برنامه‌ریزی دقیق تجاری، حمایت دولت از صادرکنندگان و ارتقاء کیفیت محصولات و بسته‌بندی برای رقابت در بازارهای منطقه‌ای است.

کشورمان با دارا بودن اقلیم متنوع، نیروی کار گسترده، و تنوع بالا در محصولات کشاورزی، ظرفیت بالایی برای صادرات دارد؛ هر چند در عمل، صادرات این بخش با چالش‌های جدی روبه‌رو است.

سالانه میلیاردها دلار می‌توان از صادرات محصولاتی مانند پسته، خرما، زعفران، سیب، هندوانه و سبزیجات درآمدزایی کرد، اما موانع ساختاری و مدیریتی مانع بهره‌برداری کامل از این ظرفیت‌ها شده‌اند. از طرف دیگر مشکلات لجستیکی و حمل‌ونقل کمبود سردخانه‌های مجهز و سیستم حمل‌ونقل یخچال‌دار باعث فساد بخشی از محصولات می‌شود. ضعف در زیرساخت‌های ریلی و هوایی، هزینه حمل‌ونقل را بالا برده و رقابت‌پذیری را کاهش می‌دهد.

ضمن اینکه تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی عدم دسترسی به سیستم بانکی بین‌المللی و نبود سوئیفت، نقل‌وانتقال پول را دشوار کرده است. صادرات اغلب از طریق واسطه‌ها انجام می‌شود که سود نهایی را کاهش می‌دهد.

به دلیل نبود برند ملی و بازاریابی بین‌المللی ایران در بازار جهانی، بسیاری از محصولات صادراتی با نام کشورهای

دیگر وارد بازار جهانی می‌شوند. مثال: زعفران ایرانی در برخی کشورها با برند اسپانیایی یا اماراتی عرضه می‌شود.

صادرات محصولات بی کیفیت به اعتبار صادراتی ما

لطمه می زند

سید یوسف حسینی، رئیس کمیسیون صادرات و مدیریت واردات، با تأکید بر لزوم تولید مشتری‌محور و متناسب با استانداردهای بازارهای هدف گفت: امروز ما در تولید و صادرات، محورمند عمل نمی‌کنیم؛ در حالی که باید نیاز و سلیقه مشتریان خارجی در طراحی و تولید محصولات لحاظ شود. نباید محصولات بی‌کیفیت، ضایعاتی یا درجه چندم به بازارهای جهانی صادر شود؛ این مسئله به اعتبار صادرات کشور لطمه می‌زند.

وی با بیان اینکه آموزش فعالان بخش کشاورزی و صادرات برای ارتقای کیفیت محصولات، یک ضرورت است، ادامه داد: نهادهای مرتبط با بخش کشاورزی باید طی سال، دوره‌های آموزشی جهت افزایش و بهبود کیفیت محصولات کشاورزی برگزار کنند.

رئیس کمیسیون صادرات و مدیریت واردات اتاق تبریز گفت:

مشکل مهم دیگر، بحث پیمان‌سپاری و رفع تعهد ارزی است که عملاً بخش صادرات و تولید را با چالش جدی مواجه کرده است. ما مخالف برگشت ارز به کشور نیستیم، اما با شیوه برگشت فعلی که برای تولیدکننده دشواری‌های فراوانی ایجاد کرده، مخالفت داریم.

حسینی با اشاره به اینکه حمایت چندانی چه در مرحله تولید و چه صادرات محصولات کشاورزی در صورت نمی‌گیرد، پیشنهاد کرد که این حوزه استراتژیک از قوانین پیمان‌سپاری ارزی مستثنا شود.

وی هشدار داد: اگر از تولیدکنندگان داخلی حمایت نکنیم، در آینده نزدیک مجبور به واردات محصولات کشاورزی خواهیم شد و این امر موجب خروج ارز از کشور خواهد شد.

رئیس کمیسیون صادرات و مدیریت واردات اتاق تبریز همچنین به موضوع واردات در برابر صادرات اشاره کرد و گفت: در مواردی مانند نهاده‌های دامی که کشور با کمبود مواجه است، واردات در برابر صادرات باید به‌صورت هدفمند انجام شود، نه اینکه بعضی اقلام به‌صورت دستوری و بدون توجه به نیاز بازار در این چرخه قرار گیرند.

وی افزود: در بخش کشاورزی ایران، عمدتاً با تولیدکنندگان و صادرکنندگان کوچک و متوسط مقیاس مواجه هستیم که همین مسئله قدرت رقابت ما در بازارهای جهانی را کاهش داده است؛ از این رو، تشکیل کنسرسیوم صادراتی نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

حسینی با تأکید بر لزوم حضور هدفمند در نمایشگاه‌های بین‌المللی تأکید کرد: چند شرکت کوچک می‌توانند در قالب کنسرسیوم، محصولات خود را به‌طور مشترک معرفی کنند و از مزایای بازاریابی، شناخت بازار و برندینگ بهره‌مند شوند.

وی با اشاره به نقش حیاتی بخش کشاورزی در امنیت غذایی و توسعه صادرات غیرنفتی، خواستار حمایت مالی و اعطای تسهیلات ویژه به فعالان این حوزه از سوی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی شد و از رئیس صندوق حمایت از توسعه محصولات کشاورزی درخواست کرد تا با پیگیری، زمینه دسترسی آسان‌تر کشاورزان و صادرکنندگان محصولات کشاورزی به منابع مالی و اعتباری فراهم شود.

وی خواستار نظارت دقیق‌تر نهادهای مرتبط بر نوع و میزان سموم مصرفی در محصولات کشاورزی شد و خاطرنشان کرد: درخواست ما از صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، اعطای تسهیلات ویژه به فعالان این حوزه است تا امکان رشد و رقابت‌پذیری این بخش فراهم شود.

ادامه دارد.....

سرمقاله

هزینه سازش،

بیشتر از هزینه مقاومت است



طرح نو؛ سیاست

شهر تبریز در دو دوره‌ی تاریخی، مورد تجاوز قرار گرفته است. یکی در زمان قاجار و دیگری عصر صفویه.

در زمان صفویه، شاه اسماعیل تسلیم دشمن نشد. هر چند شکست خورد، اما حاضر نشد هیچ پیمان ننگینی با دشمن ببندد. در این زمان تبریز ۳۰ سال تحت اشغال عثمانی باقی ماند اما عقیده شاه‌اسماعیل این بود که باید پیشرفت کنیم و دوباره تبریز را پس بگیریم نه اینکه به پای مذاکره برویم و مجبور به دادن امتیازات بزرگتر شویم. روحیه مقابله با بیگانه که برگرفته از یک روحیه دینی تشیع و شجاعت بود، مانع از تصمیمات نابخردانه در دوره صفوی شد.

اما در زمان قاجار وقتی روسیه به تبریز حمله کرد، حکومت قاجار قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای را با آن‌ها بست و مناطق بالای رود ارس را به دشمن داد.

در زمان شاه اسماعیل و دولت صفویه، حکومت مقابل دشمن ایستاد و مقاومت کرد و در نتیجه آن مقاومت، تبریز دوباره به آغوش ایران بازگشت اما در زمان قاجار، حکومت به سازش و مذاکره تن داد و همین امر باعث شد که قسمت‌هایی از ایران و منطقه آذربایجان به دشمن واگذار شود و علاوه بر آن، اشغال مناطق دیگر و زیاده خواهی دشمن نیز ادامه داشته باشد.

در این ارتباط رهبر معظم انقلاب در جمع نمایندگان مجلس بیاناتی دارند که شنیدن آن خالی از لطف نیست: «بعد از تسلیم شدن شاه سلطان حسین، مهاجمان به کشتار مردم پرداختند. شما تصوّر کنید اگر شاه سلطان حسین صفوی به‌جای این‌که دروازه‌های اصفهان را بر روی مهاجمان می‌گشود – بعد از ورود مهاجمان هم خودش به دست خودش تاج شاهی را روی سرشان می‌گذاشت – فکر می‌کرد که اگر به فکر خودم هستم، یک جان بیشتر ندارم و این قدر هم عمر کرده‌ام، مگر دیگر چقدر عمر خواهم کرد؟ اگر به فکر مردم هستم، که در صورت تسلیم کردن شهر اصفهان، بلایی بر سر مردم خواهد آمد که از بلایی که در صورت جنگیدن با مهاجمان بر سرشان می‌آید، کمتر نیست، هرگز شهر را تسلیم نمی‌کرد. تاریخ اصفهان را نگاه کنید و ببینید بعد از آن که مهاجمان وارد اصفهان، کاشان، مناطق مرکزی ایران، فارس و مناطق دیگر شدند، چه بلایی بر سر این مردم آوردند و چه کشتاری بعد از تسلیم شدن مردم کردند! مهاجمان نگفتند که چون خودتان تسلیم شدید، پادشاهان این است که همه‌تان در امن و امان زندگی کنید.» (بیانات رهبر انقلاب در دیدار نمایندگان مجلس ۱۳۸۲/۰۳/۰۷)

همیشه هزینه سازش، بیشتر از هزینه مقاومت بوده است!!!

استاندار آذربایجان شرقی مطرح کرد:

لزوم تسریع در تکمیل شهرک جوانان تبریز



وی با اشاره به بازدید از محله ملازینال خاطرنشان کرد: همان‌گونه که در پروژه ۴۵ متری شهید آیت الله آل‌هاشم مجوزها و تسهیلات لازم برای شهرداری فراهم شد در پروژه ملازینال نیز حمایت‌های مشابهی ارائه خواهد شد.

سرمست افزود: تفویض اختیارات لازم به دستگاه‌ها بر اساس طرح ارائه‌شده از سوی شهرداری به ستاد بازآفرینی و متناسب با روند پیشرفت پروژه صورت خواهد گرفت تا ساماندهی حاشیه شهر و رفاه مردم با سرعت بیشتری محقق شود.

وی تاکید کرد: دستگاه‌های خدمات‌رسان باید مطابق با طرح‌های مصوب شهرداری خدمات لازم را در شهرک جوانان ارائه دهند. همچنین معاونت عمرانی استانداری نیز همکاری کامل با شهرداری تبریز برای پیشبرد این پروژه را خواهد داشت.

طرحی را به ستاد بازآفرینی شهری ارائه دهد تا مسیر اجرایی این پروژه با جدیت دنبال شود.

سرمست با تشریح جزئیات طرح پیشنهادی اظهار کرد: توسعه فضای سبز در بستر رودخانه، احداث پل در انتهای اتوبان پاسداران، اتصال این شهرک به بافت اصلی شهر و تامین زیرساخت‌های اساسی نظیر برق و گاز از جمله محورهای اصلی این طرح است. هدف‌گذاری انجام‌شده برای اسکان ۵ هزار خانوار از ساکنان مناطق حاشیه‌نشین در این شهرک در چارچوب اختیارات استانداران و ستاد بازآفرینی دنبال خواهد شد تا روند ساماندهی شتاب گیرد.

استاندار آذربایجان‌شرقی تاکید کرد: با آماده‌سازی زیرساخت‌های لازم در این شهرک ساکنان منزلی که در مسیرکشایی ملازینال و سایر مناطق حاشیه‌ای قرار دارند می‌توانند در شهرک جوانان مستقر شوند.

طرح نو؛ گروه خبر

استاندار آذربایجان شرقی با تاکید بر لزوم تسریع در اجرا و تکمیل شهرک جوانان تبریز دستور داد همه سازمان‌ها و دستگاه‌های مسئول برای تحقق این مهم هم افزایی کنند.

بهرام سرمست در بازدید از پروژه‌های شهری تبریز از جمله شهرک جوانان با اشاره به روند کند پیشرفت این پروژه گفت: با وجود صورتجلسه‌ها و توافقات صورت‌گرفته در سال‌های گذشته متأسفانه بخش زیادی از آنها اجرایی نشده که همین امر موجب تأخیر طولانی در روند اجرای پروژه شده است.

وی افزود: بر اساس تصمیمات اتخاذشده مقرر شد شهرک جوانان به عنوان یکی از سکونتگاه‌های رسمی در فرآیند ساماندهی حاشیه‌نشینی تبریز مورد استفاده قرار گیرد. در همین راستا شهرداری تبریز مقرر شد

طرح نو؛ شیوا صفری

در گرمای تابستان، وقتی کامیون‌های پر از هندوانه در کنار جاده‌ها پارک شده‌اند و کشاورزان با چشمانی نگران در سایه‌شان پناه گرفته‌اند، این سؤال دوباره و دوباره در ذهن همه تکرار می‌شود: چرا در سرزمینی که هر قطره آبش با ارزش‌ترین سرمایه‌اش است، هنوز هندوانه – یکی از پرمصرف‌ترین محصولات کشاورزی از نظر آب – کشت می‌شود؟

محصولاتی که آب را می‌بلعند و مشتری ندارند

هندوانه و سیب، سال‌هاست جزو محصولات اصلی کشاورزان آذربایجان شرقی و غربی بوده‌اند. اما در سال‌های اخیر، این محصولات نه‌تنها بازار مناسبی نداشته‌اند، بلکه با بحران‌های جدی در فروش و صادرات مواجه شده‌اند. در مقابل، تولید آن‌ها نیازمند مصرف بی‌رویه‌ی منابع آبی است که دیگر در اختیار نداریم. در چنین شرایطی، هر واحد از این محصولات، نمادی‌ست از اتلاف منابع کمیاب و تشدید بحران زیست‌محیطی.

تغییر الگوی کشت؛ ضرورتی غیر قابل انکار

کارشناسان حوزه کشاورزی سال‌هاست هشدار داده‌اند که باید به سمت کشت محصولات کم‌آب‌بر چون زعفران، پسته، گیاهان دارویی و حتی گلخانه‌ای رفت. محصولاتاتی که هم نیاز آبی کمتری دارند، هم ارزش اقتصادی بالاتری ایجاد می‌کنند و هم پایداری بیشتری در بازار دارند. اما اجرای این تغییر نه ساده است و نه صرفاً وظیفه یک نهاد خاص.

مسئولیت تغییر یا کیست؟ کشاورز یا دولت؟

پرسش کلیدی در این میان، مسئولیت‌پذیری است. آیا کشاورز، که سال‌ها با دانش سنتی و تجربه‌ی محدود در زمین خود فعالیت کرده، باید یک‌تنه تصمیم به تغییر مسیر



سیاست‌گذاران کشاورزی را از پایتخت‌نشینی نجات داد و به دل زمین و مزرعه آورد. وقت آن است که الگوی کشت مبتنی بر اقلیم و منابع آبی محدود، نه در سخنرانی‌ها، بلکه در زمین‌های واقعی کشاورزان پیاده‌سازی شود. وقت آن است که بین دولت، نهادهای علمی، تعاونی‌ها و کشاورزان، یک رابطه‌ی منسجم و پایدار شکل گیرد.

در غیر این صورت، نه تنها محصولی برای فروش نخواهد ماند، بلکه خاک و آب و امید نیز از دست خواهد رفت.

نبود سیاست کشاورزی منسجم، عدم انسجام در نظام قیمت‌گذاری، صادرات نامنظم، نبود صنایع تبدیلی و بسته‌بندی، و فقدان آموزش‌های نوین کشاورزی، همه در کنار هم باعث شده‌اند که نه تنها کشاورزی سودآور نباشد، بلکه در برخی موارد به ورشکستگی خانوارها منجر شود. امروز کشاورز، محصول دارد اما مشتری ندارد، زمین دارد اما آب ندارد، تجربه دارد اما امید ندارد.

کلام آخر: وقت بازنگری فرا رسیده است

اگر قرار است کشاورزی در آذربایجان باقی بماند، باید

بگیرد؟ یا اینکه این وظیفه دولت و نهادهای سیاست‌گذار است که با حمایت، آموزش، تأمین مالی و تضمین بازار، راه را برای این دگرگونی هموار کند؟ پاسخ روشن است: تغییر الگوی کشت، بدون حضور فعال و جدی دولت، نه‌تنها ممکن نیست، بلکه خطرناک است. کشاورزان بدون تضمین بازار خرید، بدون دسترسی به دانش نوین، و بدون حمایت مالی، توان و انگیزه‌ای برای ورود به کشت‌های جایگزین ندارند.

بی‌برنامگی ساختاری، ریشه بحران امروز

طرح نو بررسی می‌کند:

ایران ۱۴۰۴؛ حماسه‌ای در دل آتش و خیانت



در شرایطی که بیشتر همسایگان ایران، به جای ایفای نقش

طرح نو، سردربر

در سال ۱۴۰۴ شمسی، ملت ایران با یکی از سنگین‌ترین و بی‌سابقه‌ترین یورش‌های نظامی و روانی تاریخ خود روبه‌رو شد؛ حمله‌ای هماهنگ‌شده از سوی محور صهیونیستی – غربی، با حمایت مستقیم ایالات متحده آمریکا، و پشتیبانی خائنانه شماری از دولت‌های منطقه‌ای که طی سال‌ها با نقاب دیپلماسی، دندان زهرآلود دشمنی را پنهان کرده بودند.

این نبرد، تنها یک حمله نظامی نبود؛ بلکه تلاشی گسترده و چندلایه برای درهم‌شکستن ستون فقرات مقاومت ملت ایران، نابودسازی زیرساخت‌های حیاتی، و ایجاد فروپاشی در اراده ملی و تمامیت ارضی کشور بود. دشمنان ایران، با توهم برتری تکنولوژیک و همراهی برخی کشورهای مزدور منطقه، می‌پناشتند که می‌توانند در مدت‌زمانی کوتاه، کشور را از درون فروپاشاند. اما آنچه رخ داد، خلاف تمام محاسبات اتاق‌های فکر آنان بود.

پایداری ملی و پاسخ قاطع نیروهای مسلح

صهیونیسم بدل شدند.

اما تاریخ گواه خواهد بود که این خیانت‌ها، نه‌تنها اراده ملت ایران را سست نکرد، بلکه انسجام و همبستگی ملی را به بالاترین حد خود رساند. خیانتِ برخی، فرصتِ بیداری بیشتر ملت شد.

پیامدهای جهانی حماسه ۱۴۰۴

بازتاب مقاومت ایران در برابر این تهاجم سنگین، جهانی بود. قدرت‌های مستقل، با دیده تحسین به ایستادگی ملت ایران نگر بستند. هم‌زمان، نگرانی و وحشت در اردوگاه کشورهای مزدور، موجی از بازنگری در سیاست‌های نظامی و امنیتی آنان ایجاد کرد.

سخن آخر این‌که: آیندگان در کتاب‌های تاریخ خواهند نوشت که در سال ۱۴۰۴، ایران از آتش، حماسه ساخت؛ از تهدید، فرصت آفرید؛ و از خیانت، عامل انسجام و بیداری پدید آورد. ملت ایران، نشان داد که حتی در سخت‌ترین طوفان‌ها نیز، پرچم استقلال، عزت و شرافت خود را برافراشته نگاه می‌دارد.

پایگاه، آسمان و اطلاعات خود را در اختیار مهاجمان قرار دادند، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر آمادگی، اشراف اطلاعاتی و طراحی‌های پیش‌دستانه، نه تنها موفق به خنثی‌سازی ضربات اولیه دشمن شدند، بلکه در یک ضدحمله برق‌آسا، هیمنه پوشالی متجاوزان را در هم شکستند.

این اتفاق نشان داد که قدرت بازدارندگی ایران نه صرفاً یک شعار، بلکه واقعیتی عینی، آزموده‌شده و ترس‌آفرین برای دشمنان است. سامانه‌های پدافندی بومی، پهبادهای نقطه‌زن، قدرت موشکی دقیق و روحیه فداکاری رزمندگان، پازلی ساختند که نتیجه آن، شکست مفتضحانه دشمن در میدان عمل بود.

خیانت‌های منطقه‌ای و رسوایی تاریخی

بخش تلخ و در عین حال آموزنده این رویداد، نقش‌آفرینی برخی دولت‌های منطقه‌ای بود که علیرغم دهه‌ها تعامل اقتصادی و سیاسی با ایران، در بزنگاه تاریخی به‌وضوح نقاب از چهره برداشتند و به دنباله‌های آشکار و پنهان

طرح نو بررسی می کند:

جایگاه تبریز در فوتبال ایران



طرح نو؛ شیوا صفری

در سطح ملی و حتی بین‌المللی مطرح کرده‌اند.

تراکتور؛ نماد فوتبال آذربایجان

بدون تردید، تیم تراکتور تبریز (پیش‌تر تراکتورسازی) پراوازه‌ترین تیم این شهر و یکی از پرهوادارترین تیم‌های ایران است. این تیم علاوه بر افتخارآفرینی‌هایی چون قهرمانی در جام حذفی، چندین بار نایب‌قهرمان لیگ برتر شده و حضور پررنگی در لیگ قهرمانان آسیا داشته است.

ویژگی منحصر به‌فرد تبریز در فوتبال ایران

هواداران پرشور و متعصب: فوتبال در تبریز تنها یک ورزش نیست؛ بخشی از هویت فرهنگی و اجتماعی مردم است. هواداران تراکتور با حمایت همه‌جانبه خود، ورزشگاه یادگار امام را به یکی از دژهای سخت فوتبال ایران تبدیل کرده‌اند.

پیشینه فوتبال در تبریز

تبریز از نخستین شهرهای ایران است که فوتبال را به شکل رسمی تجربه کرده و قدمت آن به اوایل قرن ۱۴ شمسی بازمی‌گردد. تیم‌هایی مانند تراکتورسازی، ماشین‌سازی، و شهرداری تبریز، از جمله باشگاه‌هایی هستند که نام تبریز را

خداداد عزیزی: ترابی را نمی‌دهیم؛ رای را صادر کنید!

طرح نو؛ گروه ورزش
خداداد عزیزی مدیر تیم فوتبال تراکتور درباره اظهار نظر جالبش توضیحاتی داد.
در حالی که به نظر می‌رسد به لحظه اعلام رای شکایت باشگاه پرسپولیس از علیرضا بیرانوند نزدیک شده‌ایم اما اظهارنظرهای جنجالی دربار این ماجرا تمامی ندارد.
دو روز پیش بود که خداداد عزیزی مدیر تیم تراکتور درخواست باشگاه پرسپولیس برای

انتقال مهدی ترابی به پرسپولیس در قبال پس گرفتن شکایت از بیرانوند را خنده‌دار دانسته بود.
این اظهار نظر با واکنش سخنگوی باشگاه پرسپولیس مواجه شده بود. مصطفی لشکری از خداداد پرسیده بود که کجای این ماجرا خنده‌دار است. قابل پیش بینی بود که خداداد این سئال لشکری را بدون پاسخ نخواهد گذاشت.

حالا خداداد پاسخ لشکری را داده و گفته است: «از نظر ما علیرضا بیرانوند تیره است. او امسال در بازی‌ها به ما کمک خواهد کرد. از طرفی اگر من مدیر باشگاه پرسپولیس باشم می‌گویم علی بیرانوند مقصر است. این عجیب نیست و ما هم احترام می‌گذاریم. خبرنگار وقتی یک سوالی از من می‌کند، من باید جواب بدهم. من از گوشه و کنار شنیدم که سخنگو و مدیر رسانه باشگاه پرسپولیس گفته بود که

چرا من گفتم معاوضه ترابی خنده‌دار است! می‌گویند باشگاه پرسپولیس در قبال پرونده بیرانوند، ترابی را خواسته است و من گفتم این خنده‌دار است و ما در هیچ شرایطی ترابی را نمی‌دهیم. اگر باشگاه پرسپولیس این درخواست را داشته، این درخواست خنده‌دار است. ما ترابی را نمی‌دهیم. رای را اعلام کنند. ما در نهایت منتظریم رای را اعلام کنند. چه به نفع بیرانوند باشد و چه به ضررش باشد.»

مقایسه ورودی و خروجی‌های تراکتور؛ پر کردن ۲ گودال عمیق

اصلی خارج شد.

* فرشاد فرجی به

جای عارف غلامی و علیرضا آرتا؛ برد

یک خرید بسیار هوشمندانه برای تراکتور. فرجی، گزینه‌ای بهینه برای هر خط دفاعی است که در گلزنی هم توانایی بالایی دارد. آرتا در گل گهر، یک پدیده بود ولی در تراکتور، به قدری روی نیمکت نشست که فراموش شد. غلامی، گزینه‌ای است که هر تیمی لازم دارد تا به عنوان جانشین وارد زمین شده و نتیجه را برایش حفظ کند. اسکوچیچ خیلی زود فهمید نباید روی غلامی، حساب زیادی کرده و او را وارد معادلات خط دفاعش بکند. شاید به همین دلیل هم با خروج این مدافع بازیساز! مشکلی نداشته باشد.

* تیور هیلوویچ به جای ریکاردو آلوز؛ باخت

هر بازیکنی با آلوز مقایسه شود، برنده شدنش چندان محتمل نیست. مرد پرتغالی تنها ۳ فصل پیراهن تراکتور را به تن کرد ولی به قدری درخشان بود که بهترین گلساز آنها در تاریخ لیگ برتر شود. تیور هم شروع خوبی با پیراهن تراکتور داشت و برابر سیواس اسپور، بریس کرد. او به سربک اسپور هم گل زد و درست در جایی به بازی گرفته شد که آلوز حضور داشت.

* اودیل خامرویکوف به جای پوریا پورعلی: برد

یک هافبک دفاعی درست و حسابی که قادر است در کنار پوستونسکی، همه روزنه‌های جلوی خط دفاع تراکتور را بسته و نفوذ به این نیمه زمین تراکتور را بسیار سخت کند. پورعلی در تراکتور زیاد به بازی گرفته نشد چراکه فاصله کیفیتی فراوانی با پوستونسکی و آلوز داشت.

* مهرداد محمدی به جای محمد قنبری: مساوی

مهمترین سوال درباره محمدی، میزان آمادگی بدنیش است؟ او در استقلال، یک بازیکن بدشانس بود و هرگز نتوانست پتانسیل واقعی‌اش را نشان بدهد هرچند با همین وضعیت هم، لیگ ۲۳ را با ۸ گل زده تمام کرد. قنبری زیرنظر خمز، درخشید ولی پس از او، از ترکیب



تنها ۶ بار برای آنها به میدان رفته است. انجام تقریباً ۱۰۰ بازی در ۶ فصل اخیر برای تیمهای اسپانیایی یعنی تراکتور به سراغ یک خارجی خوب رفته است.

* صادق محرمی به جای هیچکس: برد

آن مصدومیت لعنتی در جام ملت‌های آسیا، جلوی پیشرفت چشمگیر محرمی را گرفت. او حالا به

عادل بناکار:

هدف گذاری مس سونگون؛ تیمی در تراز والیبال آذربایجان



طرح نو؛ یونس نهاری

یم والیبال مس سونگون که امسال در لیگ دسته یک کشور به میدان خواهد رفت، با انتخاب عادل بناکار به عنوان سرمربی جدید و تکیه بر تجربه و انگیزه‌های نو، به‌دنبال احیای جایگاه شایسته والیبال آذربایجان است. سرمربی جدید این تیم، عادل بناکار، نگاهی دارد به مسیر پیش رو، اهداف باشگاه و چالش‌های این بازگشت مهم به لیگ برتر ایران این مربی با اخلاق و خوشنام والیبال دیار ستارخان و باقرخان هدف‌گذاری باشگاه مس؛ تیمی در شأن والیبال آذربایجان دانست به گفته سرمربی تیم، باشگاه مس در پی آن است که تیمی در خور شأن والیبال آذربایجان ببندد و حضوری قدرتمند در لیگ دسته یک

رکورد دنیا توسط وزنه بردار تبریزی زده شد



طرح نو؛ گروه ورزش

پوریا عباسپوریان از آذربایجان شرقی با رکورد مجموع ۳۷۶ کیلوگرم هر سه مدال طلا را به گردن آویخت.

رقابتهای وزنه‌برداری قهرمانی نوجوانان کشور با برگزاری دسته ۹۴+ کیلوگرم در دو رده سنی ۱۳-۱۵ و ۱۶-۱۷ به پایان رسید و نمایندگان اردبیل و آذربایجان شرقی مدال‌های طلای مجموع دو رده سنی را از آن خود کردند.

در رده سنی ۱۳-۱۵ سال دسته ۹۴+ کیلوگرم عرفان دولتی از اردبیل با حدنصاب مجموع ۲۸۴ کیلوگرم هر ۳ مدال طلا را از آن خود کرد. در این رده سنی مدال نقره مجموع به نیما رهنما از تهران رسید و علی اصغر رضوانی از بوشهر صاحب گردن‌آویز برنز شد.

در رده سنی ۱۷-۱۶ سال دسته ۹۴+ نیز پوریا عباسپوریان از آذربایجان شرقی ستاره بی چون و چرای مسابقات بود و با رکورد

شعر

بر اساس یک پدر فلسطینی به دختر خردسال شهیدش

دخترم

خوب شد شهید شدی...



دخترم خوب شد شهید شدی
زندگی یک دروغ جانکاه است
ما شهیدان رنج زیستیم
زندگی آه گاه و بیگاه است
پشت دیوارهای مرزی ما
دخترم! قحطی مسلمانیست
هر چه همسایه را صدا کردیم
سر تکان داد و گفت با ما نیست
طعم خون می‌دهد تمامی نیل
غیرت مصریان ملخ زده است
آیه‌های و یطعمون طعام
در گلولی شیوخ، یخ زده است
مصرِ فرعون، مصر بی یوسف
نمک زخم‌های کنعان شد
شهر اهرام مرگ آباد است
شهر ما زنده زنده ویران شد
مرزبان بسته است با همه جا
مرز با آسمان فقط باز است
ما زمینگیر این جهان نشدیم
کار گنجشک چیست؟ پرواز است
دخترم ما اگرچه مجروحیم
بار این قصه روی شانه‌ی ماست
هر شهیدی کتاب تاریخیست
و فلسطین کتابخانه‌ی ماست
دخترم! سبزچشم زیتونی!
می‌شود با غمت کنار آمد؟
نه، حواس من از تو پرت نشد
هر قدر موج انفجار آمد...
زندگی را گرسنگی دزدید
خنده را بمب فسفوری سوزاند
از تو غیر از عروسکت همه رفت
از من اما به جز دلم، همه ماند
دخترم خوب شد شهید شدی
و دعاها هم مستجاب نشد
پیش چشمان شرمسار پدر
صورتت ذره ذره آب نشد
لااقل سیر بودی آخر عمر
مرگ اینقدرها که درد نداشت
زندگی هر چقدر هم بی‌رحم
مرگ با ما سر نبرد نداشت
اگر امروز زنده می‌ماندی
پیش چشمت عروسکت می‌مرد
بس که با هم گرسنه می‌ماندید
بس که او غصه‌ی تو را می‌خورد
اگر امروز زنده می‌ماندی
جنگ می‌بست سنگ بر شکمت
تا چشیدم گرسنه بودن را
شکر کردم برای عمر کمت
اگر امروز زنده می‌ماندی
سوزهی تلخ عکس‌ها بودی
طرح یک نشریه در آمریکا
شرح یک مرگ بی‌صدا بودی
اگر امروز زنده می‌ماندی
زیر چشم تو گود می‌افتاد
زندگی سیر می‌شد از اشکت
به تو از بس گرسنگی می‌داد
ما همه روزه‌دار تاریخیم
تو ولی صبح روز عید شدی
رفتی آنجا که رنج بی معناست
دخترم خوب شد شهید شدی...
«فائزه امجدیان»

امام جمعه تبریز:

مردم ایران، عزتی به مسلمانان دادند که در تاریخ سابقه ندارد



مردم هستند.
وی با بیان این‌که مسئولان استانی پیگیر اجرای طرح انتقال آب ارس به تبریز هستند، افزود: اجرای این طرح، مشکل بی آبی استان را تا سال‌های آتی رفع می‌کند.
وی ادامه داد: در شرایط امروز وظیفه مردم، صرفه جویی است زیرا چاره‌ای جز مدیریت مصرف نداریم و مردم باید از مصرف بیش از حد آب اجتناب کنند.
حجت الاسلام مطهری اصل ضمن توصیه به ازدواج و فرزندآوری، گفت: یکی از مولفه‌های اصلی قدرت یک کشور، نیروهای انسانی و جوانان است و وضعیت امروز کشور نشان‌دهنده چالش پیری در سال‌های آینده بوده و دولت باید در این حوزه بیش از پیش توجه داشته باشد و مصوبات مجلس را اجرا کند.
وی همچنین با اشاره روز جهانی شیرمادر، افزود: هیچ شیری به هیچ وجه جایگزین شیر مادر نمی‌شود و رسانه‌ها باید این موضوع را بیش از پیش تبیین کنند. وی با اشاره به سالروز تشکیل جهادانشگاهی نیز گفت: این نهاد قبلاً فعالیت‌های خوبی داشت و اکنون نیز درحال ارائه خدمات است اما مدتی می‌شود که کم کار شده است. این نهاد باید کارهای بر زمین مانده را انجام دهد. / ایرنا

در فضای مجازی در جهت تضعیف این نیروهای خدوم، به نفع دشمن است.
امام جمعه تبریز پیرو خطبه‌های نمازجمعه هفته گذشته با اشاره به وضعیت تامین آب و برق و دعوت مردم به صرفه جویی، تاکید کرد: از شرایط موجود ناراحت هستم که بحث برق و آب موجب زحمت به مردم شده است. در شرایط سختی قرار داریم و مسئولان هم از قطعی آب و برق شرمند

کوچکی نیست که به تعداد محدود گزارش و مقاله خلاصه شود بلکه ماه‌ها و سال‌ها باید تبیین و تعریف شود.
حجت الاسلام مطهری اصل گفت: وقتی کسی جرئت نگاه چپ به پایگاه‌های نظامی آمریکا و اسرائیل را نداشت، ما موشک به آن‌ها زدیم.
وی با بیان این‌که از نیروهای نظامی و اطلاعاتی حمایت کامل داریم، گفت: هرگونه تولید محتوا

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
امام جمعه تبریز با اشاره به ایستادگی مردم کشورمان در جنگ ۱۲ روزه، تاکید کرد: مردم ما در این مدت دچار مشکلات بسیاری شدند و تحریم‌ها را تحمل کردند اما عزتی به مسلمانان دادند که در تاریخ سابقه ندارد.
حجت الاسلام والمسلمین احمد مطهری اصل در خطبه نماز جمعه تبریز، با اشاره به حقوق بشر آمریکایی، اظهار کرد: حقوق بشر آمریکایی یعنی این‌که خود این کشور هزاران بمب اتمی دارد ولی به هیچ کشوری اجازه دسترسی به انرژی هسته ای نمی‌دهد.
وی با اشاره به بیانات و تاکیدات اخیر رهبر معظم انقلاب از جمله حفظ وحدت بین تمام ملت و دولت در برابر اختلاف افکنی دشمنان، افزود: انتقاد، حساب و کتاب دارد و تخریب چهره‌ها و متهم کردن گروه‌ها بدون دلیل، درست نیست و وظیفه همه ما حفظ این وحدت ایجاد شده در دوران جنگ ۱۲ روزه است.

وی با اشاره به تقویت عزت کشورمان در این جنگ، ادامه داد: ما در این ۱۲ روزی کاری کردیم که از ابتدای تشکیل اسرائیل و آمریکا تا امروز کسی جرئت انجام آن را نداشته است و این موضوع

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی خواستار شد؛

نقش آفرینی رسانه‌ها و مسئولان در تعالی جشنواره تئاتر کوتاه ارسباران

اهر، شهر خلاق نمایش‌های کوتاه ایران

وی با قدردانی از فعالیت‌های اثربخش رسانه‌های منطقه اهر، خاطرنشان کرد: «رسانه‌های اهر می‌توانند نقش مؤثری در ارتقای سطح شناخت عمومی نسبت به این جشنواره ایفا کنند و انتظار می‌رود همانند دوره‌های گذشته، برای معرفی هر چه شایسته‌تر این رویداد فرهنگی و هنری در سطح ملی و بین‌المللی تلاش شبانه‌روزی داشته باشند.»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی با تأکید بر ضرورت حفظ انسجام و همکاری جمعی، افزود: «با همت و پیگیری‌های نماینده مردم شریف اهر و هریس در مجلس شورای اسلامی و همراهی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعتبارات مناسبی جهت حمایت از این جشنواره اختصاص یافته است.»
پایان در خاتمه، سیاست اصلی دولت و وزارت فرهنگ مبنی بر مردمی‌سازی فعالیت‌ها را یادآور شد و گفت: «با اعتماد به جوانان هنرمند، خلاق و متعهد شهرستان اهر، می‌توانیم شاهد پیشرفت و ارتقای جشنواره تئاتر کوتاه ارسباران در ابعاد ملی و حتی بین‌المللی باشیم.»



از اهداف جدی دبیرخانه است و تحقق این امر، مستلزم حمایت و همراهی همه‌جانبه مردم و مسئولان خواهد بود.»

را فراهم سازند.
پایان خاطرنشان کرد: «ارتقای جشنواره تئاتر کوتاه ارسباران از سطح ملی به بین‌المللی یکی

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی خواستار نقش‌آفرینی رسانه‌ها و مسئولان در تعالی جشنواره تئاتر کوتاه ارسباران شد
در حاشیه آیین رونمایی از پوستر هفدهمین جشنواره سراسری تئاتر کوتاه ارسباران که با حضور هنرمندان و علاقه‌مندان عرصه نمایش در اهر برگزار شد، نعمت‌اله پایان، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، با اشاره به موقعیت ممتاز این شهر در میزبانی جشنواره‌های هنری، گفت: «اهر، شهر خلاق نمایش‌های کوتاه ایران است و امروز قطار حرکت موفق این رویداد هنری به ایستگاه هفدهم رسیده است.»

وی با بیان اینکه برگزاری موفق دوره‌های پیشین جشنواره ملی تئاتر کوتاه ارسباران، بر اعتبار هنری این رویداد افزوده است، افزود: «انتظار می‌رود مسئولان و اهالی رسانه شهرستان اهر، از هم‌اکنون با جدیت در جهت معرفی و تبیین اهداف این جشنواره تلاش کرده و زمینه برگزاری باشکوه‌تر آن

گفت‌وگو با شهلا انتظاریان، مترجم کتاب «عروسک» دیوید آلموند؛

یک بازنویسی خلاقانه از پینوکیو

جمله‌های کوتاه استفاده می‌کند، عواطف انسانی را کاملاً طبیعی و مشخص و به گونه‌ای بازگو می‌کند که مخاطب با شخصیت‌ها همذات‌پنداری می‌کند و من به عنوان مترجم سعی کرده‌ام تا جایی ممکن با امانداری پیامش را منتقل کنم.

تصویرگری‌ها و سیاه و سفید بودن اثر به نظر تان چقدر به درک داستان کمک کرده؟

تصاویر کتاب سیاه و سفید، حسن‌برانگیز و جذاب است؛ تصاویری که نه تنها لبخند بر لب مخاطب می‌آورد بلکه ارتباط سیلورستر و فلور (دخترک ادامه دهنده راه عروسک‌گردان) را عمیق‌تر نشان می‌دهد و قلب را شاد و پرتپش می‌کند.

آیا اثر جدید دیگری برای کودکان و نوجوانان در راه دارید؟

می‌دانید که این روزها شرایط نشر ما چقدر بد است. من چند کتاب داشتم که برای نمایشگاه بین‌المللی کتاب ۱۴۰۴ باید می‌رسید، اما فقط ۳ تا از آن‌ها رسید و ۶ اثر هنوز در راه مانده است. بعد از نمایشگاه هم با جریان‌های اخیر، بسیاری از کارهای ناشران متوقف شده است. بنابراین نمی‌دانم کتاب‌هایی که ترجمه کرده‌ام چه زمانی منتشر می‌شود. از طرف دیگر ناشران وقت گرفتند که بعد از نمایشگاه، کتاب بفرستند تا ترجمه کنم اما هیچ خبری نیست. البته طبیعی هم هست که در این شرایط جرأت حرکت کردن ندارند./ ایبنا

به هم کمک می‌کنند. سیلورستر عروسک را درست می‌کند، شهر، زمین بازی و دنیای اطرافش را به او نشان می‌دهد و او را با رسم زندگی آشنا می‌کند. عروسک هم به سیلورستر کمک می‌کند دوست جدیدی پیدا کند که بتواند مهارت خود در عروسک‌سازی و عروسک‌گردانی را به نسل بعدی منتقل کند.

به نظر تان چه مفاهیمی را می‌توان از این داستان برداشت کرد؟

آثار آلموند لایه‌های پنهانی دارند که هر مخاطبی بنا به تجربه زیسته خود می‌تواند از آنها برداشت خودش را داشته باشد. او در این اثر بیشتر به ضرورت توجه به هنرمندان و هنر آن‌ها می‌پردازد؛ هنری که باید زنده بماند و پیوسته کامل و کامل‌تر شود. نویسنده نشان می‌دهد که در عالم واقعیت و رویا هر چیزی امکان‌پذیر است. در خوانش اول عروسک، حس کردم گویی سیلورستر خود آلموند است؛ هنرمندی که به دوران سالمندی نزدیک شده و نگران آینده هنر نویسندگی و چگونگی حفظ آن است.

چه ویژگی‌هایی در زبان متن اصلی این اثر باعث جذابیت آن برای مخاطبان است و در ترجمه کتاب، چقدر این ویژگی‌ها را مد نظر قرار دادید و آن‌ها را حفظ کردید؟

بی‌تردید زبان داستان در جذب مخاطب نقش بسیار پررنگی دارد. آلموند ساده می‌نویسد، از

به دیوید آلموند باور دارم؛ به اینکه قدرت داستان‌گویی فوق‌العاده‌ای دارد و مفاهیمی که در زیر زبان ساده کتاب‌هایش مطرح می‌کند، جای تعمق و بحث دارد. به همین دلیل، هر کتایی را که بنویسد و به دست برسد و کسی ترجمه نکرده باشد، ترجمه می‌کنم مگر اینکه نکات مطرح‌شده در آن را خیلی فراتر از خط قرمزهای جامعه ببینم و فکر کنم تعدیل یا حذف بخش‌هایی از آن به اثر زیاد لطمه می‌زند. این نویسنده همیشه در کتاب‌هایش به مفاهیم مختلفی چون صلح، عشق، دوستی، خانواده، هنر و خشونت می‌پردازد و کتاب «عروسک» هم سرشار از مفاهیم عمیق فلسفی، انسانی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است؛ داستان پیرمردی پیر و تنها که گمان می‌کند دیگر کاری در این دنیا ندارد اما با خلق عروسک جدیدش، داستانی جادویی و در عین حال عاشقانه شکل می‌گیرد؛ عروسکی که نه تنها آخرین آرزوی سیلورستر را برآورده می‌کند بلکه به او اجازه می‌دهد دانش خود را به نسل جدیدی از عروسک‌گردانان منتقل کند تا میراث او را ادامه دهند؛ کاری که برای دیگران شادی به ارمغان خواهد آورد.

چقدر الهام‌گرفتن از داستان پینوکیو در این اثر به نظر تان پررنگ است؟

ابتدای کتاب خیلی شبیه داستان پینوکیو است. در واقع مثل یک بازنویسی خلاقانه از همان اثر کلاسیک. اما آلموند روایت جدید و جذابی دارد. دو شخصیت اصلی، یعنی سیلورستر و عروسک، هر دو

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
شهلا انتظاریان، مترجم کتاب «عروسک» دیوید آلموند، گفت: ابتدای کتاب «عروسک» خیلی شبیه داستان پینوکیو است. در واقع مثل یک بازنویسی خلاقانه از همان اثر کلاسیک. اما آلموند روایت جدید و جذابی دارد. دو شخصیت اصلی، یعنی سیلورستر و عروسک، هر دو به هم کمک می‌کنند.
پیش از این آثار دیگر دیوید آلموند را برای مخاطبان ایرانی ترجمه کرده: «گل»، «پسر کاملاً جدید»، «تابستان زاغچه» و «موسیقی استخوان» از جمله این کتابها هستند. شهلا انتظاریان سال‌هاست در حوزه کودک و نوجوان فعالیت می‌کند و خوانندگان کتاب را با زبانی ساده و روان با آثار نویسنده‌گان دنیا آشنا می‌کند. دیوید آلموند و سبک منحصر به فرد نویسندگی‌اش در ادبیات کودک و نوجوان جایگاه ویژه‌ای دارد. آلموند تاکنون برنده جوایز مهمی چون کارنگی و هانس کریستین اندرسن شده است. با شهلا انتظاریان درباره کتاب «عروسک» این نویسنده، که در نشر ایران‌بان منتشر شده است، به گفت‌وگو نشستیم. مترجم این کتاب معتقد است آثار آلموند لایه‌های پنهانی دارند که هر مخاطبی بنا به تجربه زیسته خود می‌تواند از آنها برداشت خودش را داشته باشد.

اثر جدید دیوید آلموند چه ویژگی‌هایی دارد که آن را برای ترجمه انتخاب کردید و چه تفاوت‌هایی با آثار گذشته این نویسنده دارد؟

روایت

روایتی از زندگی و شهادت شهید رضا پارسا مقدم

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر «رضا پارسا مقدم، مردی که هم در خط مقدم دفاع از ایران و هم در صحنه هنر فاطمیه می‌جنگید؛ شهادتش ضایعه‌ای برای جبهه مقاومت بود.»

ستوان‌سوم شهید رضا پارسا مقدم از اهالی شهرستان تویسرکان، در طول زندگی کوتاه اما پربارش، دو بال داشت: مجاهدت در خط مقدم دفاع از آسمان ایران و خدمت در جبهه هنر مقاومت.

رضا در بهمن ۱۳۹۰ به جمع مدافعان پدافند هوایی ارتش پیوست و در گروه پدافند هوایی فردو به‌عنوان متخصص اطلاعات و مخابرات خدمت می‌کرد. چهره‌ای خندان، اخلاقی نرم، روحیه‌ای صبور و دلی بی‌کینه، تصویر همیشگی از او در ذهن هم‌زمانش بود. تلاش خستگی‌ناپذیر، هوش سرشار و استعدادش در زمینه‌های مختلف، او را به نیرویی فعال و محبوب در میان دوستان و همکاران تبدیل کرده بود.

اما رضا فقط یک نظامی نبود؛ او هنرمندی دغدغه‌مند بود که عشق به اهل‌بیت(ع) را با هنر نمایش پیوند زده بود. هر سال در ایام فاطمیه، در سوگواره نمایشی کوچه بنی‌هاشم هم به‌عنوان بازیگر و هم به‌عنوان خادم حضور می‌یافت و صحنه را به محلی برای روایت مظلومیت خاندان پیامبر(ص) تبدیل می‌کرد. دوستانش می‌گویند: «رضا همزمان در دو جبهه می‌جنگید؛ یکی در خط مقدم دفاع از وطن و دیگری در میدان هنر و فرهنگ مقاومت.»

این افسر فداکار و پدر مهربان، در کنار تمام مسئولیت‌های سنگین نظامی، زندگی خانوادگی گرم و صمیمی داشت. هیچ‌گاه از کمک به همسر و فرزندش دریغ نمی‌کرد و خانه را با لبخندهای همیشگی‌اش پر از آرامش می‌ساخت.

سرانجام در ۲۵ خرداد ۱۴۰۴، هنگامی که مأموریت دفاع از آسمان کشور را بر عهده داشت، در حمله ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی به گروه پدافند هوایی فردو، به آرزویش رسید و به جمع شهدای مدافع وطن پیوست. پیکر مطهرش در گلزار شهدای قم آرام گرفت، اما یاد او همچنان با دو صفت «مدافع وطن و هنرمند مقاومت» در ذهن‌ها زنده است.



فولکلوریک حماسی آذربایجانی نیز توسط گروه بنیاد فرزندگان به اجرا درخواهد آمد.

متنوع فرهنگی و هنری طی دو روز برگزار می‌شود. در این رویداد علاوه بر سرود «منیم ایرانی»، چند قطعه



فرم، که در محتوا و جسارت، این‌که تلویزیون به زن قهرمان، تاریخ غیررسمی و روایت فراموش‌شده بها داده، نشانه امیدواری است.

در نهایت، طوبی از آن دست سریال‌هایی است که شاید بی‌سرصدا شروع شود اما آرام‌آرام در دل مخاطب خانه می‌کند؛ داستانی زنانه، عمیق و به‌شدت انسانی از دل یک تاریخ فراموش‌شده. تلویزیون اگر بخواهد مخاطبان بیشتری را جذب کند، باید بیشتر از این جنس روایت‌ها بسازد؛ صادق، متعهد و برآمده از دل خاک.

سریال طوبی با بازی گروهی از بازیگران تلویزیون همچون امین زندگانی، شبنم قربانی، هومن برق‌نورد، فرهاد آتیش، فریبا متخصص، پرویز فلاحی‌پور، سودابه بیضایی، شهن شسلیمی، رامین راستاد، مهدی سلوکی، رحیم نوروزی و... هرشب ساعت ۲۱ از آی‌فیلم روی آنتن می‌رود. / سارا بقایی - روزنامه‌نگار

۱۴ مرداد ماه صورت می گیرد؛

رونمایی از سرود حماسی «منیم ایرانی» در جشن ۱۱۹ سالگی مشروطه تبریز

امیر سپهر برای نخستین بار این سرود را به صورت زنده اجرا خواهند کرد. «منیم ایرانی» با هدف تقویت وحدت ملی و یادآوری ایران‌دوستی مردم آذربایجان، متناسب با محور علمی «نهضت مشروطه؛ درس‌ها و عبرت‌ها»، خلق شده است.

آیین جشن مشروطیت به همت خانه توسعه آذربایجان و همکاری استانداری آذربایجان شرقی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری، شهرداری تبریز و سایر نهادهای فرهنگی استان، در قالب برنامه‌های

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر همزمان با جشن ۱۱۹ سالگی صدور فرمان مشروطه، مراسم رونمایی و اجرای زنده سرود حماسی «منیم ایرانی» به زبان ترکی آذربایجانی، روز سه‌شنبه ۱۴ مرداد ماه در تالار پتروشیمی تبریز برگزار می‌شود. این اثر به همت و با حمایت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی و به سفارش خانه توسعه آذربایجان توسط مسعود امیر سپهر ساخته شده است. در این مراسم، گروه ۱۰۰ نفره بنیاد فرزندگان تبریز به سرپرستی استاد حسن علیزاده پروین و رهبری مسعود

طوبی؛ قصه‌ای در بستر تاریخ

دل رنج، صبر و نگاه انسانی یک زن. این زاویه دید، قدرتی تازه به قصه داده و باعث شده مخاطب فارغ از هیاهوی مرسوم، به لایه‌های شخصی‌تر و صمیمی‌تر روایت نزدیک شود. تصمیم هوشمندانه‌ای که با درک درست از اقتضائات رسانه‌ای امروز همراه شده است. آنچه طوبی را ارزشمندتر می‌کند، قرار گرفتن یک زن در مرکز روایتی ملی است؛ زنی که نه قربانی که روایتگر، کنشگر و پیونددهنده زمانه‌هاست. این‌که داستان از زاویه نگاه او شکل می‌گیرد، خودش نشانه‌ای است از بازتعریف نقش زنان در حافظه تاریخی رسانه. طوبی تماشاگر وقایع نیست، بخشی از آن است؛ نه در حاشیه که در متن.

کارگردانی که سیورانه روایت می‌کند

سعید سلطانی با سابقه ساخت آثار خاطره‌انگیزی چون «پس از باران» و «ستایش»، در «طوبی» پخته‌تر از همیشه ظاهر شده. او این بار دست به ماجراجویی‌ای تاریخی زده اما بدون افتادن در دام اغراق‌های رایج. حرکت نرم دوربین، قاب‌های تأمل‌برانگیز در نماهای روایی اربعین و استفاده از لوکیشن‌هایی که به‌جای ساختگی‌بودن، زیسته به‌نظر می‌رسند، نشان می‌دهد کارگردان به جزئیات وفادار مانده و به روح روایت احترام گذاشته است.

از سوی دیگر تصویربرداری حرفه‌ای، موسیقی

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر سریال «طوبی» ساخته سعید سلطانی تجربه‌ای متفاوت در گونه درام تاریخی تلویزیون ایران است؛ اثری که در میانه آثار معمول این سال‌ها توانسته با محوریت یک قهرمان زن، نگاهی انسانی، عاطفی و پرکشش به یکی از پرچالش‌ترین برهه‌های معاصر بپندازد.

داستان آن بر پایه کتاب «اربعین طوبی» نوشته سیدمحسن امامیان شکل گرفته و فیلمنامه هوشمندانه توانسته از دل روایت واقعی، یک درام منسجم خلق کند که همزمان هم به دل تاریخ می‌زند و هم به دل مخاطب. طوبی هامون شخصیت اصلی سریال، نه‌فقط نماد زن ایرانی مقاوم در برابر ستم است بلکه آینه‌ای از جامعه‌ای است که سال‌ها میان استبداد و اشغال، سنت و نخواستگی و مرزهای بسته و پیوندهای باز انسانی سرگردان بوده. شبنم قربانی با بازی کنترل‌شده و پر از جزئیات احساسی، به این کاراکتر جان داده است؛ آن‌قدر که طوبی دیگر یک نقش نیست بلکه یک شخصیت باورپذیر است با ردپایی از درد، دل‌بستگی و درک تاریخی.

بازنمایی تاریخ با نگاهی زنانه

در سریال طوبی، تاریخ از زاویه‌ای تازه بازخوانی می‌شود. نه از منظر نبردهای سیاسی یا نظامی بلکه از

بزرگ‌ترین مانع کتاب‌خوانی کودکان چیست؟



و زمان آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

بر پایه این پژوهش، بسیاری از والدین تلاش می‌کنند با ایجاد فضاهای تشویقی، علاقه به مطالعه را در کودکان تقویت کنند. اجازه انتخاب آزادانه کتاب از سوی کودک (۳۶ درصد)، انتخاب قالب مطالعه اعم از نسخه چاپی، دیجیتال یا صوتی (۲۵ درصد) و نیز استفاده از عناصر بصری مانند کتاب‌های مصور و رمان‌های گرافیکی (۴۰ درصد) از جمله مهم‌ترین راهکارهایی است که والدین برای افزایش رغبت فرزندان خود به کتاب‌خوانی به کار می‌گیرند.

در همین راستا، شرکت آمازون، نسل جدیدی از کتاب‌خوان‌های مخصوص کودکان با عنوان Kindle Colorsoft Kids را معرفی کرده است. این دستگاه با طراحی بدون اپلیکیشن، مرورگر یا پیام‌رسان، فضای مطالعه‌ای بدون حواس‌پرتی و با صفحه‌نمایش رنگی سازگار با چشم کودک فراهم کرده و به کودک این امکان را می‌دهد تا تجربه‌ای شخصی‌سازی‌شده از مطالعه داشته باشد؛ از جمله انتخاب جلد، نوع کتاب، اندازه فونت، فاصله خطوط و میزان نور صفحه. مالی نس همچنین تأکید می‌کند که توجه به

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر مطالعه‌ای جدید به سفارش آمازون کیندل نشان می‌دهد حواس‌پرتی ناشی از تلفن همراه، بازی و تلویزیون، اصلی‌ترین مانع عادت به مطالعه در کودکان است. بسیاری از والدین با وجود تلاش برای تشویق فرزندان به کتاب‌خوانی، از کاهش علاقه‌مندی آن‌ها نسبت به نسل‌های گذشته نگران‌اند.

نتایج پژوهش تازه‌ای که با همکاری آمازون کیندل انجام شده، از مهم‌ترین موانع شکل‌گیری عادت مطالعه در میان کودکان و راهکارهایی برای تقویت آن از سوی والدین پرده برداشته است. این پژوهش که از سوی مؤسسه مستقل «Censuswide» و با مشارکت دو هزار والد کودک ۷ تا ۱۲ ساله در ایالات متحده بین ۸ تا ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۵ انجام شده، نشان می‌دهد که گرایش به مطالعه در میان کودکان نسبت به نسل گذشته کاهش یافته و عوامل متعددی از جمله تلفن همراه، بازی‌های دیجیتال و تلویزیون در این روند مؤثرند.

بر اساس این گزارش، ۴۲ درصد والدین گفته‌اند که سرگرمی‌های دیجیتال، مانع از مطالعه بیشتر کودکانشان شده است. در همین حال، ۷۷ درصد از والدین ابراز تمایل کرده‌اند که فرزندان بیش از وضعیت کنونی مطالعه کنند، اما ۴۴ درصد اذعان داشته‌اند که کودکانشان کمتر از زمانی که خود کودک بوده‌اند، کتاب می‌خوانند. همچنین ۹۵ درصد والدین تلاش فعالانه‌ای برای تشویق فرزندان به مطالعه دارند، اما ۴۶ درصد از آن‌ها معتقدند کودکانشان هنگام مطالعه به‌راحتی دچار حواس‌پرتی می‌شود.

مالی نس، پژوهشگر حوزه سواد و ادبیات کودک، در گفت‌وگویی با این گزارش می‌گوید: «علاوه‌بر چالش‌های متداولی که کودکان هنگام مطالعه با آن مواجه‌اند، اکنون با مجموعه‌ای از عوامل رقابت‌برانگیز نیز روبه‌رو هستیم که توجه

«گیتار اصالتاً یک ساز ایرانی است»

منتشر شد



شده است. امینی ایبانه دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر از دانشگاه آزاد تهران و دارای دکترای نوازندگی از دانشگاه اوراسیای گرجستان است.

او علاوه بر نوازندگی، سابقه‌ای بلند در آموزش موسیقی دارد و طی بیش از سه دهه تدریس، هزاران هنرجو را در سطوح مختلف تربیت کرده است. کتاب «گیتار» در ۱۰۰ صفحه، همراه با منابع گسترده، تصاویر تطبیقی و بخشی از نت‌های تحلیلی منتشر شده و اثری خواندنی برای موسیقی‌دانان، پژوهشگران، هنرجویان موسیقی و تمامی علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ ایران به‌شمار می‌رود. این کتاب هم‌اکنون از طریق کتاب‌فروشی‌های معتبر و پلتفرم‌های آنلاین در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

مختلف و نقش ایران در زنجیره تکامل سازهای زهی تنظیم شده و با تکیه بر منابع مستند، روایتی تحلیلی و تاریخی از پیدایش و توسعه این ساز ارائه می‌دهد.

پدرام امینی ایبانه متولد ۱۳۴۸، فعالیت حرفه‌ای خود را از کودکی با نواختن آکاردئون آغاز کرد و سپس به یادگیری گیتار پرداخت. او از محضر استادان بین‌المللی چون رامون واسکوئز، پاکو پنیلا و خوان مارتین بهره‌مند شد و از سال ۱۳۶۹ با اجرای نخستین کنسرت‌های رسمی، به‌طور جدی وارد عرصه حرفه‌ای موسیقی شد. از آن زمان تاکنون، ده‌ها اجرای زنده در سالن‌ها و فرهنگسراهای مختلف کشور، به‌همراه انتشار آلبوم‌های متعدد در سبک گیتار بی‌کلام، در کارنامه هنری وی ثبت

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر کتاب پژوهشی «گیتار اصالتاً یک ساز ایرانی است» نوشته پدرام امینی ایبانه نوازنده و پژوهشگر موسیقی، به‌تازگی منتشر شده است.

کتاب پژوهشی «گیتار اصالتاً یک ساز ایرانی است» نوشته پدرام امینی ایبانه نوازنده و پژوهشگر موسیقی که به‌تازگی منتشر شده، با رویکردی تحلیلی، تاریخی و فرهنگی، به بازخوانی ریشه‌های گیتار در تمدن ایران می‌پردازد.

نویسنده در این اثر با نگاهی متفاوت و مستند، بر این باور است که برخلاف تصور رایج، خاستگاه گیتار نه در غرب، بلکه در شرق و به‌ویژه ایران باستان بوده و سازهایی مانند عود، نیاکان مستقیم گیتار امروزی به‌شمار می‌آیند.

این کتاب با هدف شناخت داشته‌های کهن و میراث‌های فرهنگی فراموش‌شده، به سیر تکامل و تحول گیتار در کشورهای مختلف پرداخته و نقش تمدن ایرانی را در پیدایش و گسترش آن بررسی کرده است.

مطالب کتاب در بخش‌هایی چون خاستگاه گیتار در ایران، «گیتار» سازی با اصالت ایرانی، شناخت کوک شش‌سیم گیتار، تحلیل تاریخی ساز عود، وسعت صدادهی و ساختار کوک سیم‌های عود، مقایسه تطبیقی ساختار گیتار با سازهای شرقی، تحولات گیتار از دوران باستان تا امروز، جایگاه گیتار در فرهنگ‌های

فرش ایرانی در تله بی‌هویتی است

از مهاجرت نقش‌ها تا جعل درون‌مرزی



طرح نو؛ گروه گزارش
پژوهشگر صنایع دستی و کارشناس فرش با اشاره به روندی نگران‌کننده در هنر-صنعت قالی‌بافی ایران که امروز به جعل گسترده هویت فرش درون کشور رسیده است، گفت: آنچه اکنون در حال نابودی است، نه فقط بازار که هویت تاریخی و فرهنگی فرش ایران است.

فرش ایرانی که روزگاری نه‌تنها کالایی صادراتی بلکه حامل فرهنگی عمیق و شناخته‌شده در سراسر جهان بود، این روزها بیش از آن‌که با تهدید بیرونی مواجه باشد درگیر خطر «بی‌هویتی» است، تورج ژوله، کارشناس فرش و پژوهشگر و مدرس حوزه صنایع دستی، ضمن رد نگاه صرفاً احساسی به مسئله «کپی‌برداری» از نقشه‌های ایرانی در دیگر کشورها، تأکید می‌کند که باید این پدیده را با دقت تحلیل کرد: چرا و چگونه شکل گرفته و به چه دلایلی ادامه دارد؟ اما هشدار اصلی او به درون کشور متمرکز است.

وی که در سلسله گفت وگوهایی با ایرنا به مباحثی تحت عناوین فرش، رسانه‌ای از دل تاریخ است، شناخت فرش بخشی از وظیفه فرهنگی و تاریخی ماست، مطالعات بین‌رشته‌ای رازهای فراموش‌شده فرش ایران را بازمی‌گشاید، پرداخته بود، در بخش چهارم و پایانی، به جعل فرش ایرانی در حوزه مختلف هنری می‌پردازد.

ژوله با اشاره به این که استفاده از نقوش ایرانی در دستیافته‌های آسیای جنوبی در هند، پاکستان و اطراف در دوران صوفیه آغاز شده است، اظهار داشت: اسمش را «کپی» یا هر عنوان دیگری که بگذاریم، به هر حال این روند، دست‌کم از دوره صفویه، و به‌طور خاص از زمان شاه‌طهماسب آغاز شده است و البته می‌توان گفت که حتی پیش از آن نیز سابقه داشته است. در آن دوران، هنرمندانی از ایران به دلایل مختلف به دیگر کشورها، از جمله سرزمین‌هایی در قاره هند، کوچ کردند. در میان این افراد، قالیبافان یا طراحان قالی پرشماری بودند که با خود هنر و نقشه‌های ایرانی را نیز به آن نواحی بردند و به این ترتیب، آن سبک و الگوها در سرزمین‌های جدید ریشه دواند و تداوم یافت.

وی ادامه داد: اما در سطح کلان‌تر، باید گفت که جهان تجارت بر پایه منافع عمل می‌کند؛ همان‌طور که انگلیسی‌ها می‌گویند: «بیزینس، بیزینس است.» به همین خاطر، کسانی که از بازار فرش آگاه بودند، قالی‌های خوش‌نقشه و باکیفیت ایرانی را انتخاب و از آن بهره‌برداری تجاری کردند. برخی از آن‌ها حتی در هنگام فروش، با شرافت اعلام می‌کردند که مثلاً این کار «ساروق هندی» است، اما در بسیاری از موارد، فقط نام «Persian» (ایرانی) را برای فرش حفظ کردند، بی‌آن‌که منشأ واقعی بافت آن را ذکر کنند.

برای مثال، در پاکستان، فرش‌هایی با نقشه‌های ایرانی بافته می‌شود که قیمت پایین‌تری دارد. این اتفاق جدیدی نیست؛ سال‌هاست که جریان دارد. در واقع، این‌جا یک پرسش مهم مطرح می‌شود: آیا این‌که این نقشه‌ها در دیگر کشورها بافته می‌شوند، پدیده‌ای منفی است یا خیر؟ آیا ما باید از این طرح‌ها حفاظت کنیم و نگذاریم دیگران آن‌ها را بیافند؟ و اگر قرار باشد آن‌ها نبافند، چه پیامدهایی خواهد داشت؟ و حالا که می‌بافند، چه آسیبی وارد شده است؟

هنوز نام «فرش ایرانی» در جهان معتبر است

ژوله گفت: این موارد پرسش‌هایی است که نیاز به تحلیل و آسیب‌شناسی عمیق دارد. اگر من همین‌جا فی‌البداهه بگویم: «نه، نباید این کار را بکنند چون به فرش ایرانی لطمه می‌زنند»، این بیشتر پاسخی احساسی است تا عقلانی. باید بررسی کنیم: این کپی‌برداری‌ها چگونه انجام می‌شود؟ کجا به فروش می‌رسند؟ و چرا اصلاً انجام می‌شود؟ چرا مثلاً نقشه‌های کاشان یا کرمان را در پاکستان کپی می‌کنند؟ پاسخ این است که مقصد این فرش‌ها بازارهای بزرگی مانند آمریکاست. آن‌ها از غیبت فرش ایران در چند دهه گذشته در این بازارها بهره‌برداری می‌کنند.

این پژوهشگر اضافه کرد: واقعیت این است که ما امروز دیگر به سادگی نمی‌توانیم به بازار آمریکا فرش صادر کنیم. آنچه اکنون وجود دارد، محصولاتی است که از گذشته باقی مانده‌اند. ما عملاً این میدان را از دست داده‌ایم. بازاری که قالی ایرانی می‌توانست در آن با همان نام و ارزش واقعی خود حضور داشته

باشد، امروز در اختیار دیگران قرار گرفته است. خریدار می‌گوید: «من به فرش ایرانی با این کیفیت، این طرح و این قیمت دسترسی ندارم، پس به ناچار، فرش پاکستانی یا هندی یا تبتی می‌خرم.» این مسائل وارد حوزه‌هایی فراتر از موضوع ما می‌شود، یعنی اقتصاد، سیاست و عوامل کلان دیگر که از کنترل ما خارج است.

ژوله با بیان این که بازار جهانی فرش، تا حد زیادی، از دست ایران خارج شده است، اظهار داشت: البته هنوز نام «فرش ایرانی» در جهان معتبر است و حتی کپی‌کنندگان هم این عنوان را به‌کار می‌برند، اما واقعیت این است که آن گردش مالی بزرگی که روزی متعلق به ایران بود، دیگر در اختیار ما نیست. این امر دلایل متعددی دارد که شاید برخی از آن‌ها قابل حل باشند و شاید هم نه.

وی با بیان این که بافندگان خارجی گاهی ممکن است در استفاده از طرح‌های ایرانی، در برخی قسمت‌ها تغییراتی جزئی ایجاد کنند؛ بیان کرد: اما اصل تقلیدی که از فرش ایرانی انجام می‌شود، بر این مناسبت که تا حد امکان، شبیه‌سازی کامل انجام گیرد. با این حال، این فرایند همیشه قابل پنهان‌کردن نیست و بالاخره در جایی مشخص می‌شود. برای نمونه، تفاوت در نوع مواد اولیه، به‌ویژه پشم، یکی از عوامل اصلی تمایز است. پشم گوسفندان ایرانی، به‌ویژه در مناطق سردسیر غرب کشور، کیفیت بالایی دارد، در حالی که در بخش عمده‌ای از هند، به‌جز مناطق مرتفع و سردسیر، الیاف پشمی به دلیل رطوبت بالا چندان مناسب قالیبافی نیستند. در پاکستان نیز شرایط مشابهی حاکم است. در مقابل، الیاف پشم مناطق سردتر افغانستان یا بخش‌هایی از ایران، برای بافت قالی کیفیت بهتری دارند.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: از سوی دیگر، آن نقوشی که همراه با مهاجرت هنرمندان ایرانی به دیگر کشورها منتقل شده‌اند، با گذشت زمان و تحت تأثیر فرهنگ و مواد اولیه محل جدید، دستخوش تغییراتی شده‌اند. امروز دیگر، خریداران حرفه‌ای و حتی برخی فروشندگان، قادر به تشخیص اصالت نقوش هستند و می‌دانند که چه فرش‌های ایرانی و چه فرش‌های کپی‌شده از آن است. اما نکته‌ای که نباید فراموش کنیم این است که اگر ما به این کپی‌کاری‌ها در خارج از کشور ایراد می‌گیریم، همین پدیده با شدت و حدت بیشتری در داخل کشور خود ما نیز اتفاق می‌افتد.

ژوله گفت: شما تصور نکنید که قالی‌هایی که امروزه با عنوان «قالی تبریز» در بازار عرضه می‌شوند، حتماً در محدوده جغرافیایی استان آذربایجان شرقی یا شهر تبریز بافته شده‌اند. یا قالی‌هایی که با نام «نائین» فروخته می‌شوند، لزوماً در شهرستان نائین تولید شده‌اند. چنین تصویری نادرست است. امروزه، در حاشیه تهران و در شعاع چند کیلومتری از محل سکونت من و شما، قالی‌هایی بافته می‌شوند که با عنوان تبریز یا نائین عرضه می‌شوند. همین تابلوفرش‌هایی که با نام تبریز شناخته می‌شوند، اغلب در مناطقی خارج از تبریز

بافته می‌شوند. البته در برخی موارد این انتقال مکان بافت با مدیریت و مهندسی درستی همراه است؛ یعنی تولیدکننده، به دلایلی چون استفاده از امکانات فنی یا نیروی انسانی در مناطقی خاص، فرایند بافت را در هزار کیلومتری دورتر انجام می‌دهد، اما طراحی، پرداخت نهایی و عرضه آن را در شهر اصلی خود انجام می‌دهد.

این پژوهشگر ادامه داد: کشورهایی مثل پاکستان و هند هم همین کار را انجام می‌دهند؛ آن‌ها تلاش می‌کنند همان الگوهای ایرانی را با امکانات خودشان بازتولید کنند. اما چنین وضعیت متفاوتی دارد. امروز دیگر نمی‌توان گفت چین در حال کپی‌کردن قالی ایرانی است؛ شاید ۱۵ یا ۲۰ سال پیش چنین مسئله‌ای مطرح بود، اما اکنون فرش‌بافی در چین به‌تدریج کنار گذاشته شده و دیگر آن توجیه اقتصادی را ندارد. در مقابل، هند و پاکستان همچنان این راه را ادامه می‌دهند. چون اقتصاد آن‌ها و مسیر توسعه‌شان با چین متفاوت است، و از طرف دیگر، طرح‌های فرش ایرانی قابلیت آن را دارند که به‌راحتی «مهاجرت» کنند و در نقاط مختلف جهان بازتولید شوند.

وی با بیان این که ما در کشور خودمان نیز دقیقاً همان کاری را می‌کنیم که گاه به آن در کشورهای رقیب انتقاد داریم، اظهار داشت: حتی گاهی پا را فراتر می‌گذاریم؛ به‌عنوان نمونه، فرش‌های «ساروق ایرانی» معرفی می‌کنیم در حالی که اصلاً در ایران بافته نشده است. همین فرش‌ها در بسیاری از نقاط دنیا عرضه می‌شوند، بی‌آنکه خریدار متوجه شود. ممکن است سال‌ها بگذرد و کسی نداند آن قالی ایرانی نیست. داخل کشور نیز نمونه‌های مشابهی بسیار است؛ شاید بیان این موارد برای برخی خوشایند نباشد، اما واقعیت این است که بسیاری از قالی‌هایی که با نام «تبریز» فروخته می‌شوند، حتی یک گره‌شان در تبریز بافته نشده است. البته اگر مواد اولیه، طراحی و مهندسی آن متعلق به تبریز باشد، می‌توان آن را قابل قبول دانست؛ درست مانند بسیاری از محصولات صنعتی که در کشورهای دیگر تولید می‌شوند ولی نام برند اصلی خود را حفظ می‌کنند، مثل محصولات اپل که عمدتاً در چین ساخته می‌شوند ولی یک برند آمریکایی محسوب می‌شوند.

ژوله اضافه کرد: اما موضوع دیگری هم هست که نگرانی بیشتری ایجاد می‌کند. برخی مشتریان وقتی می‌خواهند قالی بخرند، فقط دنبال طرح و رنگ نیستند؛ بلکه حاضرند هزینه بیشتری بپردازند تا مطمئن باشند قالی واقعاً «اصفه‌ای» یا «تبریزی» است. اما وقتی وارد جزئیات می‌شویم، می‌بینیم آن فرش هیچ ارتباطی با مبدأ اعلام‌شده ندارد، ولی همچنان با همان نام فروخته می‌شود. این مسئله تنها به خارج کشور محدود نمی‌شود؛ داخل کشور خودمان هم وجود دارد. بسیار دیده‌ام که در فضای مجازی، قالی‌هایی به‌عنوان «قالی فارس» یا «قالی قشقایی» معرفی می‌شوند، در حالی که نه طرح، نه رنگ و نه ساختار آن‌ها ارتباطی با قالی قشقایی ندارد. شاید بافنداش اهل فارس یا

فاقد هرگونه بار هویتی و تاریخی خواهند بود. بسیاری از این فرش‌ها، نه تنها ریشه‌ای در سنت ندارند، بلکه حتی قابل تشخیص به‌عنوان امتدادی از میراث تاریخی فرش ایران هم نیستند.

وی با بیان این که امروز در برخی مناطق ایران، فرش‌هایی بافته می‌شود که به‌رغم شهرت جهانی آن منطقه، هیچ نسبتی با گذشته ندارد، اظهار داشت: ممکن است این نوع فرش‌ها همچنان به فروش روند و بازار خود را داشته باشد، اما تنها عامل بقای آن، اقتصاد است، نه اصالت و هویت. انگار با خود گفته‌اند «مردم که می‌خرند، پس ما هم می‌بافیم». بله، ممکن است منطقی اقتصادی در آن باشد، اما این منطق الزاماً فرهنگی نیست. اجازه بدهید مثالی خارج از حوزه فرش بزنم: آیا هر فیلمی که میلیاردها تومان فروش دارد، الزاماً فیلمی هنری و اصیل است؟ خیر. شاید فیلمی عامه‌پسند باشد، اما این الزاماً نشانه ارزش هنری یا فرهنگی آن نیست. در مورد خودرو هم همین‌طور است؛ اگر یک خودروساز اعلام کند محصولی را با تخفیف قابل‌توجه عرضه می‌کند، مردم برای خرید آن صف می‌کشند؛ اما این نشان نمی‌دهد که آن خودرو از نظر فنی یا فرهنگی ارزشمند است.

بی‌هویتی، یکی از جدی‌ترین تهدیدها برای آینده فرش ایران است

این مدرس دانشگاه گفت: همین اتفاق در فرش هم افتاده است: برخی طرح‌ها و رنگ‌ها، صرفاً به‌واسطه آموزش‌ها و نگرش‌های نادرست و البته تبلیغات بازاری، به‌گونه‌ای اهمیت یافته‌اند که در عمل چیزی جز یک «کالای پرفروش» نیستند، بی‌آنکه هویتی داشته باشند. به نظر من، این یکی از بزرگ‌ترین لطمه‌هایی است که به فرش ایران وارد شده است.

ژوله گفت: امروز در برخی از مهم‌ترین نواحی جغرافیایی فرش ایران، شاهد فرسایش یا حتی نابودی هویت تاریخی هستیم. گاهی کار به‌جایی می‌رسد که اگر به طراح یا بافنده‌ای بگوییم «قالی این منطقه، ۲۰۰ سال پیش چنین بوده»، تعجب می‌کند و می‌گوید: «من اصلاً چنین چیزی ندیده‌ام!». به باور من، بی‌هویتی، یکی از جدی‌ترین تهدیدها برای فرش ایران و به نظر من بسیار نگران‌کننده است.

وی درباره آثاری اکنون در دست دارد، گفت: کتابی که اکنون در دست دارم، در واقع ادامه همان کاری‌ست که پیش‌تر تحت عنوان گنجینه ملی فرش ایران انجام شده بود. این پروژه بخشی از کاری بود که برای موزه فرش انجام دادیم، اما هنوز کامل نشده و نیازمند تکمیل است. خوشبختانه، از حدود یک ماه پیش از عید، مجدداً کار را از سر گرفتیم تا آن را به سرانجام برسانیم. البته، به دلیل برخی مسائل جسمی و بیماری‌هایی که داشتم، مدتی وقفه افتاد، اما حالا دوباره به جریان افتاده است. علاوه بر این، دو پروژه دیگر هم در دست دارم که اگر توان جسمی‌ام یاری کند، امیدوارم تا سال ۱۴۵۰ آن‌ها را نیز به پایان برسانم. فکر می‌کنم آن‌ها آخرین پروژه‌های عمر حرفه‌ای من خواهند بود، به‌شرط آن‌که سلامت باقی بمانم.

ژوله در پایان گفت: از صمیم قلب امیدوارم که رسانه‌های جمعی کشور ما، چه در سطح ملی، چه در رسانه‌های محلی، این مسئولیت را برای خودشان قائل باشند که هنرهای اصیل ایرانی، از جمله فرش، را نه فقط به مناسبت روز ملی فرش، بلکه به‌صورت مستمر و مسئولانه معرفی و ترویج کنند.

وی اظهار داشت: کارهایی از این دست که شما اکنون انجام می‌دهید، بسیار ارزشمند است، اما کاش فقط محدود به مناسبت‌ها نباشد. اگر رسانه‌ها بخواهند صرفاً سطحی و عامیانه به این هنر نگاه کنند، حق مطلب ادا نخواهد شد. باید نگاه عمیق‌تری وجود داشته باشد، با درک دقیق‌تر از ظرافت‌ها و دقایق هنری، تا زیبایی‌ها و ویژگی‌های منحصربه‌فرد فرش ایرانی به‌درستی معرفی شوند. فرش ایرانی، اگر درست معرفی شود، نه‌تنها برای اهل تخصص، بلکه برای عموم مردم نیز می‌تواند جذابیت فوق‌العاده‌ای داشته باشد. این هنر می‌تواند منبعی از لذت، آگاهی، و غرور فرهنگی باشد. از این رو، امیدوارم رسانه‌ها این وظیفه فرهنگی را جدی بگیرند و به‌صورت مداوم پیگیر چنین رسالت‌هایی باشند. ایرنا

انسان مجموعه ای از آنچه که دارد نیست؛

بلکه انسان مجموعه ای است از آنچه که هنوز ندارد، اما می تواند داشته باشد

پیام اجتماعی

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضارباتی

آدرس تبریز: چهار راه مارالان – روبروی مسجد میانه- پ ۵۲۳ – طبقه ۴

تلفکس: ۸۷۷۱ ۳۵۴۱-۴۱

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- ۲۲-طبقه ۳-واحد ۱۱

تلفکس: ۲۲۲۴۸۵۸۸-۴۴

لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

درآمد نجومی سلاطین ضایعات؛ ۲۴ میلیارد تومان در ماه

۴۶۰۰ کودک زباله گرد



طرح نو؛ گروه شهری

در دوره‌ای که خصوصی‌سازی به عنوان سیاست بالادستی پیگیری می‌شد، کار جمع‌آوری زباله از طرف شهرداری به بخش خصوصی برون‌سپاری شد. تا پیش از آن برخی ضایعات را نمکی‌ها جمع می‌کردند اما با نظام‌مند شدن این پروسه، کار به عهده تعدادی فعال که مجوز داشتند سپرده شد.

به گزارش نصر، از دور چیزی مشخص نیست. زمین هموار به نظر می‌رسد. نزدیک که می‌شوی گود و تلی از زباله مقابل چشمت پدیدار می‌شود. نامش گود است چون کوره‌های آجرپزی آن اطراف آنقدر از آنجا خاک برداشتند که تبدیل به یک گودال بزرگ شده و حالا این گودال، پر از موادی است که میلیاردها تومان می‌ارزد.

روزنامه هم میهن در گزارشی به قلم خبرنگار خود فرزانه طهرانی نوشت: بین تهیه‌ایی از پلاستیک، کاغذ و فلز، چیزی نظرت را جلب می‌کند. آلونک‌های کوچک... محل زندگی کودکان زباله‌گرد. گود به چند بخش تقسیم شده و هر بخش دست یک ارباب است. ارباب‌ها قسمتی از گود را اجاره می‌کنند و تیم خود را در آنجا مستقر می‌کنند. تیمی که تا پیش از اخراج گسترده اتباع، اغلب از کودکان افغانستانی که بعضاً با ارباب نسبتی داشتند، تشکیل می‌شد. با اخراج اتباع غیرقانونی امروز این گروه‌ها، چهره‌های ایرانی‌تری دارند و کودکان حاشیه‌نشین بیشتر به بازی گرفته شدند.

آماري به دستم می‌رسم از به روزترین مبالغی که در حوزه زباله جابه‌جا می‌شود. ارقام میلیاردی درآمد ماهانه فقط از یک منطقه تهران، ترغیبم می‌کند از طریق مصاحبه و تحقیق به کسی برسم که این ارقام را در جیبش می‌گذارد.

مصاحبه با فعالان این حوزه، گفت‌وگو با ارباب گود زباله و بازدید میدانی را امتحان می‌کنم. برای اعضای کوچک‌تر گود زباله، غریبه حکم پلیس و مامور بهزیستی را دارد. می‌ترسند. از پشت در آلونک‌ها سرک می‌کشند. قرار است با یکی از اربابان گود... صحبت کنیم. همه چیز از قبل هماهنگ شده و ارباب می‌آید.

خودش را معرفی می‌کند اما تاکید دارد که نامی از او در گزارش نیابرم. توافقی می‌کنیم که در گزارش او را ارباب سعید بنام. می‌پرسم چه مدتی است ارباب شدیدی؟ -۱۰ سال است همین جا و به همین شکل کار می‌کنم.

«چند نفر برای شما کار می‌کنند؟ -۱۱ «بارکولی» و «کنفی» دارم. سه تاشون اقوامم هستند. البته اقوام دور. جمع‌آوری زباله‌های منطقه... با ماست. بچه‌ها کیسه‌ها را تا صبح نشده پر می‌کنند و با ماشین میریم میاریمشون».

بین بچه‌هایی که با عنوان کنفی از آن‌ها نام می‌برد، کودک هفت‌هشت‌ساله‌ای نظرم را جلب می‌کند. موقع ناهار، او را دیدم. روز اشکنه بود و ارباب موظف بود برای بچه‌ها تهیه کند. نان خشکی سر سفره گذاشته شد که معلوم نبود از همان نان خشک‌های ضایعاتی است یا ارباب دست در جیب کرده و برای بچه‌ها خریده. اما نه. در فروشگاه‌ها، سنگک و بربری خشک شده نمی‌فروشند...

بچه‌ها به سختی نان‌ها را می‌شکنند و در اشکنه‌ای رقیق می‌ریزند. با هم سر نان‌هایی که مثل سنگ است، شوخی می‌کنند. می‌خندند و می‌خورند و ظرف‌ها جمع می‌شود.

با نگاهم سید ظرف‌های کثیف را دنبال می‌کنم که روی دوش یکی از پسرهاست. ۱۰ متر آن طرف‌تر زمین می‌گذارد. دو دختر برای شستن می‌روند. مواد شوینده‌شان، خاک است و آب آبکشی، در لگنی بزرگ و سیاه که احتمالاً روزی قرمز بوده ریخته شده. آب کدر است. ظرف‌ها درون لگن ریخته می‌شود و خاکش گرفته می‌شود. توی سبیدی می‌چینند و با آفتابه‌ای کثیف روی ظرف‌های شسته شده، آبی دوباره می‌گیرند. درست کنار سبد ظرف‌های شسته شده، شیرابه‌ای از زیر زباله‌ها راه گرفته.

«به ارباب سعید می‌گویم چرا جایی برای شستن ظرف‌ها ندارید؟ عامر که پسری ۱۶،۱۷ساله است می‌گوید: «دستشویی هم نداریم. دنبال چی می‌گردی؟» سعید با چشم‌غری‌ها به او می‌فهماند که ساکت باشد. با همان نگاهی عامر را بدرقه می‌کند تا به دوستانش پیوندد و برای شروع کار آماده شود.

«دنباله حرف عامر را می‌گیرم. واقعاً برای این بچه‌ها دستشویی درست نکردید؟ - «این‌ها با دستشویی راحت نیستن. قبلاً داشتیم اصلاً استفاده نمی‌کردن. همشون صحرائی کارشون رو انجام می‌دادن.» بین این همه زباله و شیرابه آلوده، چه بیماری‌هایی که انتظار بچه‌ها را نمی‌کنند. اما ارباب چندان اعتقادی به بیماری ندارد. می‌گوید: «توی همه این سال‌ها، بچه‌هامون نه مریض شدن نه پیش دکتر رفتن.» ترجیح می‌دهم سوال بعدی درباره حمام را نپرسم.

«این بچه‌ها را چطور پیدا کردید؟ چگونه با آن‌ها توافق می‌کنید؟ - «طبق رسوم همه چیز را مشخص می‌کنیم.» (رسوم قرارداد نانوشته‌ای است که در گودهای زباله معتبر است)

با احتیاط بحث را سمت قیمت ضایعات می‌کشانم. برای فلز، کارتن و پلاستیک قیمت‌هایی می‌گوید که با اعدادی که در جدول داشتم فاصله عجیب و غریبی داشت.

«بچه‌ها هر روز چند کیلو از این ضایعات جمع می‌کنند؟ - «بستگی داره ۵۰ کیلو تا ۱۵۰ کیلو.» یعنی هر روز چقدر درآمد دارند؟ - «حدافل ۲۰۰ هزار تومن می‌گیرن»

«شما با چه قیمتی می‌فروشید؟ - «تفاوت زیادی نداره. ما

به چیزی می‌کشیم روش میدیم دست صنایع.»

«من اطلاع دارم رقیمی که شما می‌فروشید حداقل ۱۰ برابر چیزیه که به بچه‌ها می‌دید. - «کی همچین حرفی زده؟ اگر من این همه پول درمیارم توی این اشغال‌دونی چیکار می‌کنم؟»

«همین زباله‌دانی برای شما پول می‌سازد. - «اگه پول‌سازه شما بیا کار و دست بگیر.»

«به نظرم بحث را به این شکل ادامه ندهیم. می‌خواهیم به یک جمع‌بندی و یک منطقی از کار شما برسیم. طبق جدولی که از درآمد‌های پیمانکاران یک منطقه از تهران دارم، هر ماه ۴میلیارد و ۵۰۰ هزار تومان به طور میانگین از فروش PET در دست می‌آید. - «این رقم‌ها توی جیب من که نمیره. دست پیمانکاره».

«توافق شما با پیمان‌کار طبق درصدی نیست؟ - «همیشه درصد نیست»

«حتی اگر ۱۵ درصد هم سهم شما را در نظر بگیریم ماهی ۵/۳ میلیارد تومان درآمد دارید. با چنین درآمدی نباید شرایط زندگی این بچه‌ها بهتر باشد؟ - «من کلا روی چیزی که این بچه‌ها میارن ۲۰ درصد سود می‌گیرم. اونم خرج خوشنون می‌کنم. خورد و خوراک و پوشاک»

«حتماً مواد شوینده و بهداشتی هم می‌خرید. - «دیگه خیلی صحبت کردیم. کلی کار عقب افتاده دارم.»

پسماند سه بار فروخته می‌شود!

فقط ۱۰ درصد از زباله‌ها به روش قانونی جمع‌آوری می‌شود. باقی کار دست چهار، پنج پیمانکار به اضافه اربابان، کودکان و معتادان زباله‌گرد است.

سازمان مدیریت پسماند مناطق شهرداری تهران با ابزارهای اقتصادی و انتظامی، قدرت اعمال نظر در این موضوع را در دست دارند اما تا به حال با وجود همه اختیاراتی که داشته، این حوزه را به بازیگران خصوصی و صاحبان نفوذ اقتصادی واگذار کرده‌اند.

شهرداری در قبال دریافت مبلغی به صورت دوره‌ای، زباله‌های خشک با ارزش مناطق مختلف را به پیمانکاران واگذار می‌کند. این واگذاری برای مدت مشخصی انجام شده و شهرداری در ازای آن مبالغی دریافت می‌کند. از هر منطقه به صورت جداگانه و بر اساس میزان زباله آن منطقه پول دریافت می‌شود. شریفی‌فرد سرپرست وقت معاونت برنامه‌ریزی پسماند تهران، درآمد شهرداری از پیمانکاران این حوزه در سال ۱۳۹۷ را ۲۰۰ میلیارد تومان عنوان کرده بود. درحالی‌که این عدد در ابتدای دهه ۹۰، ده‌میلیارد تومان بود. به جز روش مزایده، شراکت در درآمد با سهم ۷۰ به ۳۰ بین شهرداری و پیمانکار نیز روش دوم درآمدزایی شهرداری‌هاست. (کتاب زباله‌گردی، محمدحسن کریمیان)

افزایش کف مزایادات و محل‌فروشی توسط شهرداری‌ها موضوعی است که امین صدرنژاد دبیر اتحادیه صنایع بازیافت ایران نیز به آن اشاره می‌کند و به هم‌میهن می‌گوید: «جالب است بدانید شهرداری، پسماند را سه بار می‌فروشد. یک بار محلات شهر را در ازای مبلغی به پیمانکار واگذار می‌کند. یک بار برای مدیریت پسماند از بودجه سالیانه دولت و مالیات بر ارزش افزوده سهم دریافت می‌کند و بار سوم هم از شهروندان شهری هزینه جمع‌آوری پسماند می‌گیرد. همیشه دخالت دولت

باعث شکل‌گیری اقتصاد ذیفغانه می‌شود. در بحث مدیریت پسماند‌های شهری، نفع بزرگ شهرداری‌ها به عنوان یک نهاد شبه‌دولتی هستند که با ذهنیت کاسبکارانه، وارد اقتصاد شدند.»

۴۶۰۰ کودک زباله‌گرد

زباله‌های تهران در انحصار چهار، پنج پیمانکار است که هر یک چندین منطقه را در دست دارند و کار جمع‌آوری زباله را به اربابان گود یا اصطلاحاً صاحبان گاراژ می‌سپارند. آن‌ها هم زباله‌گردی مناطق را به گروهی از حاشیه‌نشینان یا اتباع می‌سپارند که پژوهش‌ها نشان می‌دهد ۳۰درصد آن‌ها کودکان زیر ۱۸ سال هستند. اغلبشان خانواده اصلی ندارند و ۱۲ ساعت زباله‌های خشک تهران، روزانه بیش از ۲۶۰۰ تن است و از این پول پسماند‌های با ارزش به آن‌ها می‌رسد.

محمدحسن کریمیان، جامعه‌شناس در کتاب «زباله‌گردی، زمینه‌های شکل‌گیری، تقاطع سیاست‌ها» نوشته است: «تنها پژوهشی که به‌طور تقریبی آمار و اطلاعاتی از میزان جمعیت و درآمد زباله‌گردان در شهر تهران وجود دارد، مربوط به پژوهش کامل احمدی است. طبق این پژوهش با توجه به اینکه میانگین زباله‌های خشک تهران، روزانه بیش از ۲۶۰۰ تن است و از این مقدار شهرداری تنها ۴۰۰ تن را از طریق مجاری رسمی تامین جمع‌آوری می‌کند، و از آنجا که هر زباله‌گرد روزانه حدود ۱۵۹ کیلو زباله جمع می‌کند، می‌توان برآورد کرد که حدود ۱۴۰۰۰ نفر زباله‌گرد در تهران وجود دارد که تقریباً یک‌سوم آن‌ها یعنی ۴۶۰۰ نفرشان کودکانند.

درآمد ۱۰ هزار میلیاردی از تصاحب زباله

پسماندها با ارزش است. آنقدر که سر تصاحب آن آدم کشته می‌شود. گردش مالی این کالا به ۱۰ هزار میلیارد تومان در سال می‌رسد. این عدد محاسبه شده بر اساس جدولی است که یکی از فعالان این حوزه به این روزنامه داده است.

به‌روزترین نرخ‌ها، نشان می‌دهد پیمانکار فقط از یک منطقه شهرداری ۳۳ میلیارد و ۹۶۰ میلیون تومان درآمد کسب کرده است. در این منطقه هر نوع از پسماندها به تفکیک با این شرح درآمدزایی کرده است: قیمت PET هر کیلو ۳۰ هزار تومان است که با توجه به ۱۵۰ تن PET جمع‌آوری شده در این منطقه ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان از این ضایعات درآمد به دست آمده است.

جمع‌آوری ۳۶۰ تن از نوعی ضایعات با نام لاک در این منطقه ۴ میلیارد و ۶۸۰ میلیون تومان درآمد ایجاد کرده. نایلون در حجم ۱۸۰ تن یک میلیارد و ۲۶۰ میلیون تومان فروخته شده، ۳۰۰ تن کاغذ و کارتن ۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان، ۶۰ تن آهن سبک ۷۲۰ میلیون تومان، ۳۰ تن فلز (قوطی) ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان، ۳۰۰ تن نان خشک ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان و لب بار ۲ میلیارد تومان درآمد ایجاد کرده است؛ آن‌هم فقط در یک منطقه شهرداری. آن هم در یکی از ماه‌های میانی سال. این اعداد در ماه پایانی سال حداقل تا دو برابر افزایش می‌یابد. از این ترنژور مالی میلیاردی سهم کودکان زباله‌گرد چیست؟

در تماس با یکی از مدیران با سابقه در شهرداری درباره کم و کیف مزایادات می‌پرسم. اینکه کف مزایادات چقدر است؟ چند پیمانکار در تهران فعال هستند؟ روش‌های واگذاری غیر از مزایده چیست؟ درآمد پیمانکاران چقدر است؟ شهرداری چقدر از واگذاری محلات درآمد دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها

یک جمله بود. اطلاع ندارم.

نه اینکه بخواهد از زیر پاسخ دادن شانه خالی کند. دلیل به پراکندگی کار، درآمد‌های رسمی و غیررسمی و خیلی جزئیات دیگر بر می‌گردد که سبب می‌شود حتی مسئولان مستقیم هم از اعداد دقیق بی‌خبر باشند.

من مافیای نیستم

ورود به جمع پیمانکاران امکان‌پذیر نیست. جنگ بر سر پول کلان است. از واژه جنگ استفاده می‌کنیم چون تجانس زیادی با آنچه در این حوزه اتفاق می‌افتد دارد. در نزاع سر تصاحب زباله، فقط سلاح سرد استفاده نمی‌شود. اینجا سلاح گرم هم، کارآیی دارد. خبرها کمتر درز می‌کند اما فعالان این حوزه آن را تایید می‌کنند.

تلاش برای ارتباط با یکی از پیمانکاران از طریق یک واسطه به نتیجه می‌رسد. موفق به گفت‌وگوی مستقیم نمی‌شویم ولی چند کلامی از زبان واسطه می‌شنویم. می‌پرسم چرا چنین انحصاری ایجاد کردید؟ آیا هیچ دستگاه نظاری روی مونوپل ایجادشده نظارت ندارد؟ می‌گوید: «من مافیا نیستم. در شرایطی که کسی حاضر نبود زباله‌های این شهر را سر و سامان دهد، به وضعیت رسیدگی کردیم.» این جمله را می‌گوید و حاضر نمی‌شود پرسش‌های دیگر را بشنود.

در دوره‌ای که خصوصی‌سازی به عنوان سیاست بالادستی پیگیری می‌شد، کار جمع‌آوری زباله از طرف شهرداری به بخش خصوصی برون‌سپاری شد. تا پیش از آن برخی ضایعات را نمکی‌ها جمع می‌کردند اما با نظام‌مند شدن این پروسه، کار به عهده تعدادی فعال که مجوز داشتند سپرده شد.

به دهه ۹۰ که رسیدیم بین مدیران شهرداری رقابت بر سر درآمدزایی بیشتر شکل گرفت. امین صدرنژاد، دبیر اتحادیه صنایع بازیافت به این موضوع اشاره می‌کند و مثال می‌زند: «یکی از مدیران شهرداری در مصاحبه‌ای می‌گوید مدیر قبلی توانسته بود از پسماند ۴۰ میلیارد تومان درآمد ایجاد کند اما من این درآمد را به ۸۰ میلیارد تومان رساندم. به تدریج رویکرد کاسبکارانه‌ای برای به حداکثر رساندن درآمد از زباله شکل گرفت. این رویکرد افزایش کف قیمت مزایادات را به دنبال داشت. شهرداری محلات را به مزایده می‌گذاشت.

پیمانکاران قیمت را بالا می‌بردند و برای اینکه حاشیه سود خود را افزایش دهند، هزینه نیروی انسانی را کاهش می‌دادند. به این طریق بود که مهاجران غیرقانونی و حاشیه‌نشینان برای زباله‌گردی جذب شدند. نام کارگر مهاجر غیرقانونی در جایی ثبت نمی‌شد و انتظاری جز دریافت حقوق حداقلی وجود نداشت. بازی‌ای شکل گرفت که از یک طرف درآمد شهرداری ماکسیمم افزایش پیدا می‌کرد و از طرف دیگر با باز گذاشتن دست پیمانکار برای جذب کارگران غیرقانونی، سود آن‌ها را بالا می‌برد.»

او اضافه می‌کند: «البته برخی مدیران شهرداری با حسن‌نیت کار را پیش می‌بردند. به خاطر دارم یکی از مدیران در ایستگاه‌های میانی باسکول گذاشت. به این باسکول‌ها، ام. آر. اف می‌گویند. پیمانکار موظف شده بود فقط پسماند قابل بازیافت که ما به آن مواد قابل بازیابی می‌گوییم به صنایع بازیافتی که دارای مجوز هستند واگذار کند.»

قرارداد نانوشته با نیروهای نیابتی

امام علی(ع):

کسی که بدون بصیرت عمل کند، مانند کسی است که به دنبال سراب بیابان راه پیماید. او هرچه تندتر رود دورتر می‌افتد.

یکشنبه ۱۲ مرداد ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۳۷۲

به گفته صدرنژاد «زباله‌گردی در این سال‌ها به سرعت افزایش پیدا کرد. پیمانکار با نیروی کار غیررسمی کار می‌کرد اما آن‌ها را رسماً گردن نمی‌گرفت. یعنی با وجود آنکه زباله‌گردان برای پیمانکار کار می‌کنند اما پیمانکار می‌گوید این افراد ارتباطی با مجموعه من ندارند. در عمل پیمانکار با نیروهای نیابتی که پراکسی‌های او هستند در شهر فعال است. زباله‌گردان، ضایعات را از سطل خارج می‌کنند و اجازه نمی‌دهند به دست ما برسد. چنین بازی‌هایی سبب شکل‌گیری شبکه‌هایی شد که به اصطلاح به مافیا معروف شدند. معمولاً در حاشیه تهران مستقر هستند. در گاراژها و در مزارع اطراف تهران. شرایط کار در این گاراژها به شدت غیرانسانی، خارج از ضوابط ایمنی و خارج از ضوابط بهداشتی است.»

زباله‌گردان معمولاً در طول روز از ساعت ۳ و ۴ بعدازظهر وارد شهر می‌شوند. زمانی که ساعت کار ادارات تمام می‌شود و معمولاً کار گشت‌های شهرداری تمام شده و ماموران شهرداری تعطیل شده‌اند، کار زباله‌گردان شروع می‌شود. تا ۱۲ شب زباله جمع می‌کنند و بعد سوار ماشین شده و بارهای جمع‌آوری شده را به مناطق حاشیه‌ای می‌برند.

گاهی این ماشین‌ها در طول روز دوبار از سطح شهر به حاشیه می‌روند. آخرین سرویس ساعت حود و حوش ۲ شب است. زباله‌گردان تا ساعت ۴ تا ۶ صبح همون پسماندهای جمع‌آوری شده را جداسازی می‌کنند و به اربابی که مالک گاراژ است یا گاراژ را اجاره کرده نقداً می‌فروشند. استراحت می‌کنند تا دوباره بعدازظهر داخل شهر کار را شروع کنند.

وقتی تکنولوژی به عرصه زباله پا گذاشت

در سال‌های گذشته، تکنولوژی به عرصه زباله پا گذاشت. چندین اپلیکیشن ایجاد شد تا پسماند‌های قابل بازیافت را از در منازل جمع‌آوری کند و شهروندان فقط زباله غیرقابل بازیافت را به مخازن بیاندازند. بهمان، زیست آپ و پاکزی از جمله این اپلیکیشن‌هابود.

اما فشار زیادی که به صاحبان این طرح‌ها وارد شد، خیلی زود آن‌ها را از میدان به در کرد. در واقع پیمانکاران شهرداری با قدرت و ثروتی که داشتند، سدی مقابل آن‌ها شدند و به این ترتیب عمر آن‌ها خیلی زود تمام شد. تنها در شهر مشهد به دلیل نظر مساعد شهردار یکی از این اپلیکیشن‌ها ادامه فعالیت داد. بعد ازعدم موفقیت بخش خصوصی این بار شهرداری تهران با طرح نوماند به این حوزه ورود کرد. همان نسخه‌ای که بخش خصوصی قرار بود اجرا کند این بار توسط شهرداری به اجرا درآمد اما نوماند هم موفق نشد.

صدرنژاد به فرآیندی اشاره می‌کند که اتحادیه بازیافت برای فعالیت بخش خصوصی صنایع طی کرد تا مجوز رسمی گرفته و جمع‌آوری مواد قابل بازیابی از در منازل را به صورت رسمی انجام دهد: «اما سعی کردیم به طور رسمی فعالیت کنیم یعنی از طریق اتحادیه صنایع بازیافت که حالا تشکیل بخش خصوصی این حوزه است مجوز دریافت کنیم و شرکت‌های رسمی بخش خصوصی جمع‌آوری مواد قابل بازیابی را از در منازل انجام دهند یا شهروند این مواد را به یک مرکز جمع‌آوری فروشگاهی تحویل دهد. خدمات جمع‌آوری زیرمجموعه وزارت صمت است. بنابراین درخواست‌ها به این وزارتخانه ارسال شد. دو سال زمان برد تا هیئت مقررات مصوب کرد مجوز این کار را وزارت صمت صادر کند. از سال ۱۴۰۱ تا الان سه سال است که منتظریم وزارت صمت این مجوز را صادر کند ولی هنوز در چالش تغییر پی‌درپی وزرا و مسئولان گرفتار مانده است.

پسماند‌های ایران از چین و هند سر در می‌آورد

گودهای زباله، با انبوهی از آلودگی و بیماری شناخته می‌شود و از حداقل‌های بهداشتی هم برخوردار نیست. کار تفکیک زباله در چنین محل‌های آلوده‌ای بدون هیچ نظارت بهداشتی انجام می‌شود و بازیافت زباله به طور غیررسمی همه این آلودگی‌ها و بیماری‌ها را با خود همراه می‌کند.

محمدحسن کریمیان در کتاب خود که بالاتر به آن اشاره شد، می‌نویسد: «میزان فعالیت شبکه‌های غیررسمی چنان گسترده شده است که پسماند قابل بازیافت ایران در موارد بسیاری، از واحدهای بازیافت صنعتی کشورهایی مثل چین و هند سردرمی‌آورد. این کشورها بعد از بازیافت زباله‌های خشک ایرانی‌ها، آن‌ها را مجدداً به تولیدی‌ها می‌فروشند. در این بین غیر از سودی که از زباله‌های ایرانیان عاید اقتصاد بازیافت در چین و هند می‌شود، عده بسیار قلیلی از گردانندگان شبکه‌های زباله‌گردی سود بسیاری به جیب می‌زنند.»

یکی از فعالان حوزه بازیافت می‌گوید: «شبکه غیررسمی جمع‌آوری سبب شده تخلفات گسترده‌ای صورت گیرد که زمینه بسیاری از بیماری‌ها را فراهم می‌کند و سلامت افراد را به مخاطره می‌اندازد. از جمله بازیافت پسماندهای پزشکی که غیرقانونی است و باید پس از بی‌خطرسازی دفن شود و یا بازیافت پسماندهای خوراکی آلوده از جمله نان‌های کپک‌زده برای استفاده به عنوان خوراک دام. ماشین‌های شبکه غیررسمی با گشت‌زنی در خیابان‌ها، زباله‌گردان خود را کنترل می‌کنند. در صورتی که فردی خارج از نفرات خود به این حوزه وارد شوند از به‌کارگیری سلاح سرد و گرم نیز هراس ندارند.»/عصرایران